



صفر تا صد

حقوق کسب و کار

به زبان ساده و کاربردی

دکتر فرهاد بیات

وکیل پایه یک دادگستری و مدرس حقوق کسب و کار دانشگاه تهران

علی اکبر جعفری

کارشناس رسمی دادگستری و مدرس دانشگاه تهران





نام کتاب	: صفر تا صد حقوق کسب و کار به زبان ساده و کاربردی (آنچه مشاور حقوقی باید بداند)
نام مؤلفان	: دکتر فرهاد بیات، علی اکبر جعفری
حروفچینی و صفحه آرایی	: انتشارات اندیشه ارشد
ناشر	: انتشارات اندیشه ارشد
ناشر همکار	: انتشارات دادبانان دانا
نوبت چاپ	: چهارم، بهار ۱۴۰۱
قیمت	: ۲۰۰۰۰۰ تومان
شمارگان	: ۱۵۰۰ نسخه
شماره استاندارد بین‌المللی کتاب (شابک):	۹۷۸-۶۲۲-۵۷۶۵-۲۸-۳

International Standard Book Number (ISBN): 978-622-5765-28-3

مرکز پخش: میدان انقلاب - خیابان وحیدنظری - بین دوازده فروردین و منیری جاوید - پلاک ۱۳۰ - طبقه اول - واحد ۲
تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۷۶۲۹۱-۶۶۱۷۶۲۸۸-۶۶۱۷۶۲۹۰۰

خرید کتاب با تخفیف ویژه از سایت اینترنتی:

WWW.Amozeshportal.ir

هرگونه الگوبرداری از سبک و سیاق، تکثیر و یا چاپ (حتی عرضه در فضای مجازی) کل یا قسمتی از کتاب‌های انتشارات دادبانان دانا بدون اجازه کتبی ناشر شرعاً حرام و قانوناً ممنوع می‌باشد و متخلف براساس قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
فصل اول: درآمدی بر حقوق کسب و کار	۱۳
مبحث اول - مبانی حقوق کسب و کار	۱۴
مبحث دوم - قوانین و مقررات کاربردی و حمایتی مرتبط با کسب و کار	۴۷
فصل دوم: حقوق قراردادها	۹۱
مبحث اول - شرح حقوق قراردادها	۹۲
مبحث دوم - نمونه فرم‌ها و قوانین کاربردی مرتبط با حقوق قراردادها	۱۲۳
فصل سوم: حقوق شرکت‌ها	۱۴۱
مبحث اول - شرح حقوق شرکت‌ها	۱۴۲
مبحث دوم - نمونه فرم‌های کاربردی حقوق شرکت‌ها	۱۹۳
فصل چهارم: حقوق اسناد تجاری (چک و سفته)	۲۱۵
مبحث اول - شرح حقوق اسناد تجاری	۲۱۶
مبحث دوم - پیوست قوانین و مقررات مرتبط با اسناد تجاری	۲۵۱
فصل پنجم: حقوق کار	۲۷۷
مبحث اول - حقوق کار	۲۷۸
مبحث دوم - نمونه قرارداد کاربردی حقوق کار	۳۰۷
فصل ششم: حقوق تأمین اجتماعی	۳۱۷
مبحث اول - شرح حقوق تأمین اجتماعی	۳۱۸
مبحث دوم: مقررات کاربردی مرتبط با حقوق تأمین اجتماعی	۳۳۵
فصل هفتم: حقوق مالیات	۳۶۷
مبحث اول - شرح حقوق مالیات	۳۶۸
مبحث دوم - قوانین و مقررات کاربردی مرتبط با حقوق مالیات	۴۰۵
فصل هشتم: حقوق مالکیت فکری	۴۴۵
مبحث اول - شرح حقوق مالکیت فکری	۴۴۶
مبحث دوم - قوانین و مقررات مرتبط با حقوق مالکیت فکری	۴۶۵
فصل نهم: حقوق تجارت الکترونیکی	۴۷۳
مبحث اول - شرح حقوق تجارت الکترونیکی	۴۷۴
مبحث دوم - نمونه فرم‌ها و قوانین کاربردی مرتبط با حقوق تجارت الکترونیکی	۴۸۹

نشانه‌های اختصاری

- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری.....ق.ث.ا.
قانون ثبت شرکت‌ها.....ق.ث.ش
قانون تجارت.....ق.ت.
قانون تجارت الکترونیکی.....ق.ت.ا.
قانون تأمین اجتماعی.....ق.ت.ا.
قانون کار.....ق.ک.
قانون صدور چک.....ق.ص.چ.
قانون مدنی.....ق.م.
لایحه اصلاحی قانون تجارت.....ل.ا.ق.ت.
قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی.....ق.ن.ا.م.
قانون مالیات ارزش افزوده.....ق.م.ا.
قانون پایانه فروشگاهی و سامانه مودیان.....ق.پ.ف.س.م.
ماده.....م

پیشگفتار ناشر

دادبانان دانا واحد انتشاراتی موسسه حقوقی دادبانان است که با همکاری دانشکده کارآفرینی و پارک علم و فناوری دانشگاه تهران، مجری دوره‌های آموزشی کاربردی در زمینه حقوق کسب و کار است؛ جهت تحقق هر چه بیشتر اهداف آموزشی موسسه دادبانان در زمینه آموزش‌های کاربردی حقوقی لازم بود که دانشپذیران هنگام حضور در کارگاه‌های آموزشی مطالب را از پیش در اختیار داشته و به جای یادداشت آن‌ها، جهت فهم و درک عملی و دقیق‌تر موضوعات از پیش مطالعه شده در کارگاه‌ها حاضر شوند؛ لازمه تحقق این هدف تولید محتوا بود که به لطف خدا این امر میسر شده و در قالب کتاب پیش رو به تمام علاقه‌مندان حوزه حقوق کسب و کار تقدیم می‌گردد.

در پایان ضمن تشکر از مخاطبان، استدعا دارد در صورت داشتن هرگونه نظر، پیشنهاد یا پرسش از طریق سایت www.dadbanan.com مکاتبه نمایید.

با احترام

مدیر انتشارات

دکتر فرهاد بیات

دیباچه

در طول بیش از یک دهه برگزاری جلسات شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی و کمیته حمایت از کسب و کار (کمیته ماده ۱۲)، همواره مشاهده شده است که فعالان اقتصادی دچار چالش‌های حقوقی در فعالیت و قراردادهای خود، و یا درگیر تفاسیر متفاوت از قوانین و مقررات با دستگاه‌های اجرایی شده‌اند؛ به نحوی که بیش از نیمی از مشکلات کسب‌وکارهای بخش خصوصی در حوزه مالیات، بیمه تامین اجتماعی، قراردادها و یا امور بانکی، آمیخته با مضامین حقوقی پیچیده و در برخی موارد غیر قابل درک برای بنگاه‌های اقتصادی می‌باشد.

این چالش جدی و پرتکرار ضرورت ارتقاء دانش حقوقی کسب‌وکارها را بیش از پیش نمایان می‌سازد، لیکن ادبیات ثقیل حقوقی و وازگان تخصصی حقوقدانان بعضاً باعث می‌شود که کسب‌وکارها در تفهیم علم حقوق و بکارگیری آن در سطوح اجرایی فعالیت‌های روزمره خود کار آسانی نداشته باشند.

خوشبختانه کتاب حاضر که در همکاری دبیرخانه شورای گفت‌وگو و کمیته حمایت از کسب و کار با مدرسان و متخصصان مجرب حقوق کسب‌وکار در کشور به چاپ رسیده است، به بیانی شیوا و جامع مهم‌ترین مبانی این حوزه را تشریح کرده و مفاهیم تخصصی را با نثری ساده و روان در اختیار علاقمندان نهاده است.

امیدوارم این مستند ارزشمند بتواند با تکیه بر تجارب اجرایی شورای گفت‌وگو در روان‌سازی مبانی حقوق برای حوزه‌های مختلف کسب‌وکار، نقطه عطفی در ارتقاء آگاهی حقوقی فعالان اقتصادی و تسهیل محیط کسب‌وکار در کشور باشد.

غلامحسین شافعی

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

و دبیر شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی

پیشگفتار مولف

از سال ۱۳۸۸ که به تدریس دروس مرتبط با حقوق کسب و کار در دانشکده کارافرینی دانشگاه تهران پرداختم همواره خلأ یک کتاب کاربردی و ساده را در حوزه حقوق کسب و کار احساس می‌کردم؛ کتابی که در عین سادگی متضمن یک سری مطالب مبتلابه و مبتنی بر تجربه‌های عملی باشد که کمتر آن‌ها را می‌توان در کتب و مقالات یافت؛ جالب است که بیشترین کاربرد حقوق در حوزه کسب و کار است ولی هنوز هیچ گرایشی تحت عنوان "حقوق کسب و کار" در دانشگاه‌های ایران راه‌اندازی نشده است؛ در راستای تحقق عملی اهداف بالا، کتاب حاضر بر اساس اصول زیر تألیف گردیده و بر آن استوار است:

۱- سادگی متن

تلاش شده است که متن به نحوی نگارش شود که برای مخاطبی که هیچ آشنایی قبلی با دانش حقوق هم ندارد ساده و قابل فهم باشد.

۲- انتخاب موضوعات مبتلابه و مورد نیاز بازار

حجم مطالب حقوقی بسیار گسترده است که هر یک از فصول کتاب حاضر خود می‌تواند موضوع یک یا چند کتاب مستقل باشد؛ با وجود این سعی شده است که به موضوعاتی پرداخته شود که تمام کسب و کارها در فعالیت خود با آن‌ها سر و کار داشته و باید بر مسائل حقوقی پیرامون آن اشراف داشته باشند.

۳- ارائه راه‌حل‌های کاربردی

در کتاب حاضر به بیان چالش‌های رایجی که کسب و کارها با آن‌ها مواجه هستند اکتفا نشده و راه‌حل‌های موجود در بازار هم بیان شده است.

۱. از ابتدای سال ۱۳۹۷ دوره آموزشی تحت عنوان "دوره جامع حقوق کسب و کار" به تصویب دانشگاه تهران رسیده و در دانشکده کارافرینی و پارک علم و فناوری دانشگاه تهران برگزار می‌شود و یک دوره عملی جهت ارتقای مهارت مدیران، مشاوران و کارفرمایان است.

۴- ارائه نمونه فرم‌ها، قراردادهای و قوانین کاربردی

در پایان هر فصل، پیوستی تحت عنوان نمونه فرم‌ها، قراردادهای و قوانین کاربردی مرتبط با آن مبحث قرارداد شده است تا مطالب بیان شده در شرح درس برای مخاطب ملموس تر گردد؛ منتها از آن جایی که قراردادن نسخه کاغذی موجب حجیم شدن کتاب، اسراف کاغذ و بالا رفتن هزینه کتاب برای مخاطب می‌گشت، صرفاً برخی از نمونه فرم، قرارداد و قوانین مربوطه در کتاب ذکر شده است و مخاطب می‌تواند با مراجعه به سایت www.dadbanan.com یا www.farhadbayat.com فایل‌های بیشتری را دانلود کند؛ به ویژه اینکه نمونه قراردادهای به صورت فایل word در سایت قرار گرفته که به مخاطب امکان ویرایش نیز می‌دهد و بر نسخه چاپی نیز از این جهت برتری دارد.

۵- توجه به ابعاد مالی و حقوقی موضوعات به صورت توأمان

متأسفانه در حوزه علم حقوق کمتر می‌توان کتابی را یافت که دو یا چند استاد حقوق به صورت مشترک تألیف کرده باشند و این خلاء در موضوعات میان رشته‌ای بین حقوق و اقتصاد و بازرگانی و مالی بیشتر به چشم می‌خورد؛ با توجه به تدریس دوره‌های حقوقی و مالی (نظیر مالیات، تأمین اجتماعی، حقوق کار، مالی و حسابداری) توسط استاد برجسته جناب آقای علی اکبر جعفری و دوستی و همکاری طولانی میان دو مولف، این فرصت دست داد تا کتابی تألیف شود که در نگارش آن به هر دو جنبه حقوقی و مالی توجه شود.

لازم است از نظرات ارزشمند جناب آقای فرشید رستگار (مدرس حقوق مالیاتی) و آقای مرتضی سیمای صراف (مدرس حقوق مالیاتی) آقای مهدی مهدوی ایزدی (مدرس حقوق تأمین اجتماعی) و آقای سعید لطفی (مدرس حقوق کار) در ویرایش چهارم کتاب تقدیر و تشکر نمایم. در پایان ضمن تشکر از مخاطبان و اذعان به نواقص و کاستی‌های احتمالی، استدعا دارد در صورت داشتن هرگونه نظر، پیشنهاد یا پرسش از طریق سایت www.farhadbayat.ir مکاتبه نمایید.

دکتر فرهاد بیات

فروردین ۱۴۰۰

مقدمه

کتاب حاضر در ۹ فصل تدوین شده است که فصل اول به مباحث مقدماتی راجع به نحوه‌ی گرفتن انواع مجوزهای کسب و کار و قوانین و مقررات و نهادهای حمایتی مرتبط با کسب و کار پرداخته است؛ فصل دوم تا هفتم (شامل حقوق قراردادهای، شرکت‌ها، اسناد تجاری، کار، تأمین اجتماعی و مالیات) عملاً در هر کسب و کاری خواه سنتی یا جدید خواه بزرگ یا کوچک نقش آفرینی می‌کند و اشراف بر آن‌ها می‌تواند از بروز بسیاری از چالش‌ها و زیان‌های ناشی از آن‌ها جلوگیری نماید؛ به ویژه اینکه ورود به بازار مستلزم اشراف بر قواعد حاکم بر آن است و مباحث مطروحه در کتاب حاضر، متضمن بسیاری از همین قواعد است؛ ۲ فصل انتهایی کتاب (حقوق مالکیت فکری و تجارت الکترونیکی) از این رو به کتاب حاضر افزوده شده است که مسیر کسب و کارهای جدید به سمت فضای مجازی و اموال فکری (غیرمادی) حرکت می‌کند و اقتضا دارد که حقوق هم نسبت به این تحول واکنش مناسب نشان دهد؛ بنابراین کتاب حاضر در نه فصل تدوین و هر فصل نیز به دو مبحث تقسیم شده است که مبحث اول، شرح و توضیحاتی کاربردی و ساده پیرامون همان فصل است و در مبحث دوم نیز، نمونه فرم، قرارداد و یا قوانین کاربردی مرتبط با همان فصل آمده است.

**چند صفحه از فصل اول
درآمدی بر حقوق کسب و کار**

مبحث اول - مبانی حقوق کسب و کار

۱- مرجع رسمی اعلام شرایط صدور، تمدید، اصلاح و ابطال مجوزهای کسب و کار، درگاه ملی مجوزهای کشور به نشانی www.G4b.ir یا Mojavez.ir است (بند ۲۲ ماده ۱ قانون اجرای اصل ۴۴ اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۱۵)؛ بنابراین برای اطلاع از این امر که چه فعالیت‌هایی نیازمند مجوز هستند باید به درگاه اخیر مراجعه نمود؛ در همین راستا کلیه مراجعی که مجوز کسب و کار صادر می‌کنند موظفند نوع، شرایط، هزینه، زمان، فرآیند و مراحل صدور، تمدید و لغو مجوزهای خویش را به همراه مبانی قانونی مربوطه به «هیأت مقررات زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» ارسال نمایند تا در سایت G4b نمایش داده شود در غیر اینصورت الزام اشخاص به اخذ مجوز ممنوع است (تبصره ۳ ماده ۷ قانون اجرای اصل ۴۴ اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۱۵)؛ همچنین مراجع صادرکننده مجوز کسب و کار حق ندارند حتی با توافق متقاضی مجوز، هیچ شرط یا مدرک یا هزینه‌ای بیش از آنچه در سامانه اخیر آمده است از متقاضی مطالبه نمایند و گرنه مرتکب، علاوه بر جبران خسارت زیان‌دیده به مجازات مندرج در ماده ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (حبس از دوماه تا یکسال) محکوم خواهد شد (تبصره ۴ ماده ۷ قانون اجرای اصل ۴۴).

G4b.ir درگاه
ملی مجوزهای
کشور

۲- فعالان کسب و کار می‌توانند از طریق درگاه G4b.ir یا Mojavez.ir تقاضای صدور مجوز نمایند؛ در صورتی که پس از تکمیل مدارک، مرجع مربوطه از صدور مجوز در مهلت زمانی مقرر شده امتناع نماید، متقاضی می‌تواند از طریق همین درگاه شکایت خود را به دبیرخانه هیأت مقررات زدایی تسلیم و تقاضای تسریع در صدور مجوز را بنماید؛ در این صورت بالاترین مقام دستگاه یا استاندار مربوطه موظف است ظرف حداکثر هفت روز کاری از تاریخ ثبت درخواست با دعوت از متقاضی صدور مجوز و مراجع صادرکننده مجوز، موضوع را بررسی و اشخاصی را که در صدور مجوز اخلاص یا اهمال کرده‌اند را به هیأت تخلفات اداری معرفی کند

نحوه شکایت از
مرجع صادرکننده
مجوز

(تبصره ۱ م ۷ قانون اجرای اصل ۴۴)؛ علاوه بر این، امتناع از پذیرش مدارک و درخواست مجوز و تأخیر بیش از ظرف زمانی تعیین شده، مصداق «اخلال در رقابت» محسوب و متقاضی می‌تواند شکایت خود را به مرکز ملی رقابت (به نشانی اینترنتی nicc.gov.ir) نیز تسلیم نماید؛ در این صورت شورای رقابت موظف است به شکایت ذی‌نفع رسیدگی و بالاترین مقام مسئول دستگاه مربوطه را به مجازات تعیین شده در بند (۱۲) ماده (۶۱) قانون اجرای اصل ۴۴ (بین ده میلیون تا یک میلیارد ریال) محکوم نماید (قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۴۴ قانون اجرای اصل ۴۴).

۳- وضع هرگونه محدودیت و مانع در مسیر صدور مجوز، به دلایلی از قبیل اشباع بازار، محدودیت ظرفیت و حدود صنفی یا بر اساس تعداد و یا فاصله جغرافیایی دارندگان و یا متقاضیان آن مجوز، ممنوع است. (صدر تبصره ۴ ماده ۷ مکرر قانون اجرای اصل ۴۴ مصوب ۱۴۰۱) (رک: به دادنامه‌های ۸۰۷-۱۳۹۵/۱۰/۱۴ و ۱۳۹۹/۱۱/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال بخشنامه وزارت صمت در خصوص عدم صدور مجوز نانوائی به دلیل اشباع بازار).

۴- مطابق اصل ۲۸ قانون اساسی، اصل بر آزادی انتخاب شغل و انجام کسب و کار است؛ بنابراین ممنوعیت از اشتغال یا منوط کردن آن به گرفتن مجوز استثناء محسوب و محتاج قانون است.

۵- پس از تصویب قانون اجرای اصل ۴۴، فعالیت دولت در اقتصاد محدودتر و قلمرو فعالیت بخش غیردولتی گسترده‌تر شد؛ بر اساس این قانون، فعالیت‌های اقتصادی در ایران به سه گروه تقسیم می‌شود:

الف) گروه یک که هرگونه مالکیت، سرمایه‌گذاری و مدیریت دولت در آن‌ها و یا مشارکت به هر نحو و میزان ممنوع بوده و منحصرأ در اختیار بخش غیردولتی است؛ البته ورود دولت در این فعالیت‌ها در حد ضرورت و یا در مناطق کمتر توسعه یافته یا صنایع پیشرفته خطرپذیر که بخش غیردولتی ورود نمی‌کند تحت شرایطی مجاز است (تبصره ماده ۴ قانون اجرای اصل ۴۴)؛

قلمرو فعالیت
بخش خصوصی در
نظام اقتصادی
ایران

ب) گروه دو که دولت حداکثر تا بیست درصد ارزش این فعالیت‌ها در بازار، می‌تواند سهم داشته باشد و مابقی الزاماً در اختیار بخش غیردولتی (اعم از خصوصی، تعاونی و موسسات عمومی غیردولتی) است؛

پ) گروه سه که سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌ها و بنگاه‌های این گروه منحصراً در اختیار دولت است و فعالیت بخش غیردولتی در این دسته از فعالیت‌ها صرفاً در قالب خرید خدمت و به شرط حفظ مالکیت صد در صد دولت امکان‌پذیر است مانند رادیو و تلویزیون.

در خصوص طبقه‌بندی فعالیت‌های اخیر باید گفت اولاً تشخیص، انطباق و طبقه‌بندی فعالیت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی هر یک از این سه گروه با هیأت وزیران است که در خصوص موارد گروه سه باید به تصویب فرماندهی کل نیروهای مسلح نیز برسد؛ ثانیاً اصل بر این است که همه‌ی فعالیت‌ها مشمول گروه یک بوده و فعالیت‌های گروه دو و سه استثناء محسوب می‌شوند (مواد ۲ و ۳ و ۴ قانون اجرای اصل ۴۴) ثالثاً هر امتیازی که برای بنگاه‌های دولتی با فعالیت اقتصادی گروه یک و دو مقرر شود، عیناً و با الویت برای بنگاه یا فعالیت اقتصادی مشابه در بخش خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی نیز باید در نظر گرفته شود (ماده ۸ قانون اجرای اصل ۴۴).

انواع فعالیت‌ها ۶- کسب و کارها از حیث آزادی اشتغال به آن‌ها، به سه دسته قابل تقسیم هستند:
از نظر لزوم یا عدم لزوم
گرفتن مجوز

الف) فعالیت‌های ممنوعه؛ لیست فعالیت‌های ممنوعه در فضای مجازی در سایت Internet.ir قابل مشاهده است.

۱. بنا بر مصوبه ۱۳۹۰/۷/۶ هیأت وزیران، باشگاه‌های فرهنگی ورزشی پرسپولیس و استقلال از گروه (۱) به گروه (۲) منتقل شدند تا دولت بتواند سهم بخش دولتی در آن‌ها را نگاه‌دارد.

ب) فعالیت‌های مجاز: فعالیت‌هایی که انجام آن‌ها مجاز بوده و نیاز به گرفتن مجوز از مرجع خاصی هم ندارد.

پ) فعالیت‌های مجاز مشروط: فعالیت‌هایی که انجام آن‌ها مجاز بوده ولی نیاز به گرفتن مجوز دارند که بر دو قسم هستند:

اول- فعالیت‌هایی که ثبت شرکت برای آن‌ها منوط به گرفتن مجوز است؛ به عنوان مثال اگر شرکتی در اساسنامه، «آموزش» را جزو فعالیت خویش آورده باشد ثبت چنین شرکتی محتاج گرفتن مجوز حسب مورد از وزارت آموزش و پرورش یا وزارت علوم یا سازمان فنی و حرفه‌ای است؛ گفتنی است اصولاً ثبت شرکت نیاز به گرفتن مجوز خاصی نداشته و منوط شدن ثبت شرکت به مجوز امر کاملاً استثنایی محسوب شده و تقریباً در حدود ۲۵ مورد فعالیت، ثبت شرکت منوط به ارائه مجوز است که فهرست آن‌ها در سایت دادبانان قابل مشاهده است.

دوم- فعالیت‌هایی که ثبت شرکت برای آن‌ها نیاز به گرفتن مجوز ندارد ولی «شروع فعالیت» نیاز به گرفتن مجوز دارد که فهرست این گونه فعالیت‌ها در قالب کتابچه الکترونیکی در سایت G4b.ir قابل مشاهده است.

۷- متقاضی مجوز ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد و اصولاً گرفتن مجوز نیازی به ثبت شرکت ندارد؛ به عنوان مثال متقاضی مجوز انتشارات ممکن است شخص حقیقی یا موسسه ثبت شده باشد؛ با وجود این، به طور استثنایی ممکن است مجوزی صرفاً به شخص حقیقی یا حقوقی داده شود؛ به عنوان مثال مجوز بازاریابی شبکه‌ای صرفاً به شرکت سهامی خاص داده می‌شود (ر.ک: آیین‌نامه بازاریابی شبکه‌ای ۱۳۹۵/۱۲/۱).

عدم نیاز به
ثبت شرکت
برای گرفتن
مجوز

ثبت شرکت،
مجوز شروع
فعالیت محسوب
نمی‌شود

۸- صرف ثبت شرکت به منزله مجوز شروع فعالیت مندرج در اساسنامه شرکت محسوب نمی‌شود و در صورتی که آن فعالیت برابر قانون محتاج گرفتن مجوز باشد، شرکت باید پیش از شروع فعالیت آن مجوز را دریافت نماید.

لزوم اخذ
پروانه کسب
از سوی افراد
صنفی

۹- افراد صنفی (یعنی هر شخص حقیقی یا حقوقی که محل کسب دایر یا وسیله‌ی کسبی را فراهم کرده و به عرضه کالا یا خدمت به مصرف‌کننده اشتغال دارد) موظفند قبل از تأسیس هر نوع واحد صنفی یا اشتغال به کسب و حرفه نسبت به اخذ پروانه کسب اقدام نمایند (ماده ۱۲ قانون نظام صنفی)؛ پروانه کسب، مجوزی است که به منظور شروع و ادامه کسب و کار یا حرفه به صورت دائم (برای مدت پنج سال) و یا موقت (به مدت یکسال) به فرد یا افراد صنفی برای محل مشخص یا وسیله کسب معین صادر می‌گردد (ماده ۵ قانون نظام صنفی)؛ شایان ذکر است اصل بر شمول قانون نظام صنفی بر کلیه‌ی افراد صنفی است مگر اینکه اثبات شود تابع قانون خاصی هستند و منظور از قانون خاص، قانونی است که بر اساس آن، نحوه صدور مجوز فعالیت، نحوه تنظیم و تنسيق (سر و سامان دادن) امور آن، نظارت، بازرسی و رسیدگی به تخلفات افراد و واحدهای تحت پوشش آن به صراحت در متن قانون مربوطه معین شده باشد (تبصره ماده ۱ قانون نظام صنفی)؛ به عنوان مثال و کالا و پزشکان به دلیل وجود قانون خاص از شمول قانون نظام صنفی خارج هستند.

۱۰- مراحل صدور پروانه کسب طبق ماده ۲۶ قانون نظام صنفی و ماده ۲ آیین نامه اجرایی نحوه صدور و تمدید پروانه کسب، عبارت است از:

الف- متقاضی پروانه کسب می‌بایست به سامانه G4b.ir و سپس iraniansnaf.ir مراجعه و تقاضای خود را ثبت و نسبت به اخذ کد رهگیری اقدام نماید. مراحل صدور پروانه کسب

ب- مرجع صدور پروانه کسب موظف است حداکثر ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت تقاضا، پاسخ متقاضی را مبنی بر رد یا قبولی تقاضا به وی ابلاغ کند؛ عدم اعلام نظر در مدت یاد شده به منزله پذیرش محسوب می‌گردد.

پ- پس از قبول تقاضا (یا عدم اعلام نظر مرجع صدور در موعد مقرر) مرجع صدور پروانه کسب مکلف است، استعلام‌های مورد نیاز را صادر و دستگاه‌های استعلام شونده نیز موظفند حداکثر ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت استعلام، نظر قطعی خود را اعلام دارند؛ اعلام نظر موافق دستگاه‌های استعلام شونده باید بدون ابهام و هرگونه قید و شرط و نظر مخالف نیز مستند به دلایل قانونی باشد. در غیر این صورت و یا در صورت عدم اعلام نظر در مهلت مقرر، به منزله نظر مثبت تلقی می‌گردد و پاسخ منفی خارج از موعد مقرر مانع از صدور پروانه کسب نخواهد شد.

ت- متقاضی موظف است حداکثر ظرف سه ماه، مدارک مورد نیاز برای صدور پروانه کسب را تهیه و از طریق سامانه ارسال نماید.

ث- مرجع صدور پروانه کسب موظف است پس از دریافت مدارک مورد نیاز و تطبیق با اصل آن، حداکثر ظرف پانزده روز نسبت به صدور پروانه کسب و تسلیم آن به متقاضی اقدام کند.

۱۱- شرایط لازم برای صدور پروانه کسب طبق ماده ۳ آیین نامه اجرایی نحوه صدور و تمدید پروانه کسب، عبارت است از:

الف- شرایط عمومی:

- سند مالکیت عین و منفعت و یا منافع از جمله اجاره‌نامه، صلح‌نامه، هبه، قرارداد مشارکت، میایعه‌نامه و یا قراردادهای موضوع ماده (۱۰) قانون مدنی اعم از رسمی و یا عادی (در روستاها احراز مالکیت طبق عرف محل است)؛

- گواهی صلاحیت از نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛ صرفاً واحدهای صنفی موضوع ماده (۲) آیین‌نامه اماکن عمومی مصوب مورخ ۱۳۶۳/۳/۲۳ هیأت وزیران مشمول گواهی صلاحیت نیروی انتظامی می‌باشند؛

شرایط لازم
برای صدور
پروانه کسب

- گواهی اداره امور مالیاتی ذی ربط مبنی بر تشکیل پرونده یا پرداخت یا ترتیب پرداخت بدهی مالیات قطعی شده (موضوع ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم)؛
 - گواهی گذراندن دوره‌های آموزشی احکام تجارت و کسب و کار در چارچوب دستورالعمل آموزش (موضوع بند ن ماده ۳۰ قانون نظام صنفی)؛
 - شناسنامه و کارت ملی برای اتباع ایرانی و گذرنامه و پروانه کار برای اتباع خارجی به همراه شش قطعه عکس پرسنلی؛
 - کارت پایان خدمت نظام وظیفه یا معافیت دایم یا پزشکی یا گواهی اشتغال به تحصیل برای آقایان کمتر از پنجاه سال سن؛
 - حداقل سن برای دریافت پروانه کسب هجده سال می‌باشد.
- ب- شرایط اختصاصی:

- کارت معاینه پزشکی و گواهی صلاحیت بهداشتی از مراکز بهداشتی، درمانی (برای صنوف مشمول قانون اصلاح ماده ۱۳ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی)؛
- پروانه تخصصی و فنی یا دیپلم فنی یا مدارک دانشگاهی مرتبط یا حضور یک نفر واجد شرایط شاغل در واحد صنفی.

۱۲- پروانه کسب اشخاص حقوقی به نام شرکت با ذکر نام مدیرعامل و یا یکی از اعضای هیأت مدیره (براساس مصوبه هیأت مدیره) و در مشارکت‌های مدنی نیز پروانه کسب به نام یکی از شرکاء با رضایت رسمی (محضری) سایر شرکا صادر می‌گردد (ماده ۱۳ آیین‌نامه)؛ در فرض حقیقی متعدد (مشارکت مدنی)

۱. گواهی مالیاتی برای گرفتن تسهیلات بانکی و صدور یا تمدید کارت بازرگانی و پروانه کسب الزامی است (ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم)؛ اما صدور ضمانت‌نامه بانکی یا اعتبارات اسنادی و یا صدور جواز تأسیس و پروانه بهره‌برداری نیازی به گواهی اخیر ندارد.
۲. تمدید پروانه کسب هم منوط به گواهی پرداخت یا ترتیب پرداخت بدهی قطعی مالیاتی است (ماده ۹ آیین‌نامه)؛ همچنین طبق قسمت اخیر ماده ۳۷ قانون تأمین اجتماعی، ارائه مفاصا حساب پرداخت بدهی قطعی بیمه نیز برای تمدید لازم است؛ با وجود این، چون شرط اخیر در آیین‌نامه صدور پروانه کسب (موضوع ماده ۱۲ قانون نظام صنفی) نیامده است، در رویه عملی، مفاصا حساب بیمه گرفته نمی‌شود.

اخیر، یعنی در جایی که چند نفر، یک واحد صنفی را به صورت مشترک اداره کنند، به طور «مشترک» مسئولیت امور واحد را بر عهده خواهند داشت (تبصره ۴ ماده ۱۲ قانون نظام صنفی).

امکان دریافت
چند پروانه‌ی
کسب به شرط
معرفی مباشر

۱۳- صدور بیش از یک پروانه کسب برای هر فرد صنفی واجد شرایط برای یک تا چند محل کسب به شرط معرفی مباشر مانعی ندارد (تبصره ۳ ماده ۱۲ قانون نظام صنفی)؛ مرجع صدور پروانه کسب موظف است با أخذ مدارک بندهای ۲، ۵ و ۶ شرایط عمومی (در صورت شمول) مندرج در شماره ۱۱ همین کتاب، برای فرد معرفی شده، کارت مباشرت صادر نماید؛ مدت اعتبار کارت مباشرت، مطابق مدت اعتبار پروانه کسب صادره خواهد بود اما فرد صنفی می‌تواند در هر موقع که مقتضی بداند نسبت به عزل یا تغییر مباشر خود اقدام نماید (ماده ۱۸ آیین‌نامه).

امکان صدور چند
پروانه کسب
روی مکان واحد

۱۴- اماکنی که واجد شرایط لازم (از جمله حداقل مساحت مورد نیاز) جهت استقرار چند واحد صنفی باشند، می‌توانند به عنوان محل ثابت کسب، توسط یک یا چند فرد صنفی، پس از أخذ پروانه کسب از اتحادیه یا اتحادیه‌های ذی‌ربط، مورد استفاده قرار گیرند (تبصره ۲ ماده ۳ قانون نظام صنفی و آیین‌نامه اجرای آن).

الزامات ارائه‌ی
خدمات در منزل

۱۵- افراد صنفی مکلفند پیش از به کارگیری کسانی که برای انجام دادن خدمات به منازل و اماکن مراجعه می‌کنند، مراتب را به اتحادیه اطلاع دهند تا اتحادیه پس از أخذ نظر نیروی انتظامی، نسبت به صدور کارت شناسایی عکس دار با درج تخصص اقدام لازم را به عمل آورد (تبصره ۱ ماده ۱۷ قانون نظام صنفی).

انتقال ارادی و
قهری پروانه
کسب

۱۶- در صورتی که دارنده پروانه کسب بخواهد پروانه خود را به دیگری واگذار کند، باید درخواست کتبی خود را به اتحادیه تسلیم دارد. اتحادیه در صورت واجد شروط قانونی بودن فرد معرفی شده و با رعایت سایر مقررات، پروانه کسب متقاضی را باطل و پروانه جدیدی به نام فرد

۱. مطابق ماده ۲۲۰ قانون تجارت اگر چند نفر با یکدیگر فعالیت تجاری انجام دهند اما شرکت خویش را ثبت نکنند در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت «تضامنی» داشته و در برابر بدهی‌های شرکت هر شریک صد در صد مسئول است اما اگر اشخاص اخیر مشمول قانون نظام صنفی باشند «مشترکاً» در مقابل اشخاص ثالث مسئول تلقی می‌شوند. به عنوان مثال اگر شرکا دو نفر باشند اصولاً هر کدام ۵۰ درصد بابت بدهی آن واحد صنفی مسئول تلقی می‌شوند.

معرفی شده صادر می کند (ماده ۱۸ قانون نظام صنفی)؛ همچنین در صورت فوت صاحب پروانه کسب، حقوق متعارف ناشی از واحد صنفی متعلق به ورثه است؛ چنانچه ورثه یا نماینده قانونی آنها مایل باشند، در صورت دارا بودن شرایط فردی، می توانند ظرف مدت دو سال نسبت به اخذ پروانه کسب با رعایت مقررات اقدام کنند؛ پس از انقضای مهلت مقرر پروانه متوفی از درجه اعتبار ساقط است (ماده ۲۰ قانون نظام صنفی).

۱۷- نصب تابلو بر روی سر در اماکن تجاری یا اداری منوط به دریافت مجوز از سازمان زیباسازی شهرداری است؛ در صورتی که تابلو بدون دریافت مجوز نصب شود، شهرداری می تواند پس از ابلاغ دو اخطار، نسبت به رفع تخلف اقدام نماید (مصوبه شماره ۱۹۰۷ شورای شهر تهران)؛ شایان ذکر است مدارک لازم جهت دریافت مجوز عبارتند از: الف) سند مالکیت یا اجاره نامه ب) مجوز فعالیت پ) پایان کار اداری یا تجاری ت) طرح اولیه تابلو در مقیاس مناسب و با رعایت قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی بیگانه و آیین نامه اجرایی آن (ماده ۸ آیین نامه).

لزوم دریافت مجوز برای نصب تابلو

۱۸- در صورتی که تابلوی منصوب بر سر در اماکن تجاری یا اداری، صرفاً بیانگر محل استقرار و فعالیت بوده و متضمن تبلیغات نباشد، شهرداری حق دریافت مبلغی تحت عنوان عوارض تابلو را ندارد (رأی شماره ۴۱۵ مورخ ۱۳۹۵/۶/۱۶ و ۱۲۴۲ و ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۸ و ۱۳۹۹/۱۱/۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری)؛ به عنوان مثال نصب تابلوی فرهاد بیات (وکیل پایه یک دادگستری)، مستلزم پرداخت مبلغی نیست ولی نصب تابلو با علامت تجاری LG بر سر در مغازه تلویزیون فروشی مصداق تابلوی تبلیغاتی بوده و مشمول عوارض تابلو است.

ممنوعیت اخذ عوارض از تابلو

۱۹- استفاده از تابلو یا نوشته ها یا نشانه هایی که «منحصراً» به خط غیر فارسی تنظیم شده باشد به استثنای نشانه های بین المللی ممنوع است؛ نیروی انتظامی موظف است از نصب و ادامه استفاده از آن ها جلوگیری کند (ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه) (استفاده از نوشتار یا اسامی بیگانه دارای استثنائاتی است که در مبحث ثبت علامت تجاری در فصل حقوق مالکیت فکری همین کتاب به تفصیل آمده است).

محدودیت در به کارگیری نوشتار یا اسامی بیگانه در تابلو

۲۰- محل دایر شده به وسیله هر شخص حقیقی یا حقوقی که پروانه کسب برای آن صادر نشده است با درخواست اتحادیه و تأیید اتاق اصناف شهرستان، توسط نیروی انتظامی پلمپ می‌شود (ماده ۲۷ همان قانون) قبل از پلمپ محل دایر شده از ده تا بیست روز به دایرکننده مهلت داده می‌شود تا کالاهای موجود در محل را تخلیه کند (تبصره ۱ ماده ۲۷).

پلمپ شدن
واحدهای صنفی
فاقد مجوز

۲۱- هر فرد صنفی که واحد کسب وی تعطیل می‌شود می‌تواند به کمیسیون نظارت شکایت کند. نظر کمیسیون نظارت که حداکثر ظرف دو هفته اعلام خواهد شد، لازم الاجرا است؛ در صورتی که فرد صنفی نظر کمیسیون را قبول نداشته باشد می‌تواند جهت اعتراض به مراجع قضایی مراجعه کند (تبصره ۲ ماده ۲۸)؛ در صورتی که تعطیلی واحد صنفی غیرموجه تشخیص داده شود، میزان خسارات وارده بر عهده کسی است که دستور پلمپ را داده است (تبصره ۳ ماده ۲۸).

نحوه اعتراض
به پلمپ واحد
صنفی

۲۲- کسب و کار مجازی: واحد صنفی است که از طریق ابزارهای ارتباطی از راه دور مانند وب سایت یا اپلیکیشن مبادرت به عرضه کالا یا خدمت می‌نماید؛ مراحل و مدارک دریافت مجوز کسب و کار مجازی تقریباً به مانند سایر مجوزات صنفی است (مراجعه کنید به شماره‌های ۱۰ و ۱۱ همین کتاب)؛ با این تفاوت که در عمل، متقاضی باید پیش از دریافت این مجوز از سایت www.enamad.ir، نماد اعتماد الکترونیکی دریافت نماید (برای مشاهده آیین‌نامه اجرایی چگونگی صدور مجوز و نحوه نظارت بر فعالیت افراد صنفی در فضای مجازی مصوب ۱۳۹۵ به سایت dadbanan.com مراجعه کنید).

نحوه گرفتن
مجوز کسب و
کارهای مجازی

۲۳- بازاریابی شبکه‌ای (Network Marketing): یک روش بازاریابی فروش است که در آن، بازاریاب علاوه بر کارمزدی که از فروش مستقیم محصول کسب می‌کند، از فروش محصول توسط بازاریابانی که توسط او به عنوان زیرمجموعه ساماندهی شده‌اند نیز کسب درآمد می‌نماید؛ بر اساس آیین‌نامه اجرایی بازاریابی شبکه‌ای مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱ وزیر صمت، مجوز

الزامات راه‌اندازی
بازاریابی شبکه‌ای

بازاریابی شبکه‌ای به متقاضی داده می‌شود که اولاً قصد فعالیت در فضای مجازی داشته و وب سایت خود را طبق چک لیست کمیته نظارت راه‌اندازی کرده باشد (بند ۵ م ۷)؛ دوم اینکه برابر طرح سوددهی ارائه شده از سوی متقاضی، پرداخت هرگونه حق کمیسیون یا پاداش صرفاً بر اساس فروش محصول شرکت باشد، نه جذب بازاریاب و عضوگیری (بند ۳ م ۹)؛ امر اخیر مهمترین تفاوت شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای با شرکت‌های هرمی است؛ سوم اینکه کالا و خدمت مورد عرضه باید در سبد قشر وسیعی از جامعه قرار داشته و عرفاً چند بار در سال توسط مصرف‌کنندگان تجدید خرید شود و مشابه آن در بازار وجود داشته باشد (بند ۷ م ۱)؛ به عبارت دیگر باید کالای مورد عرضه «مصرفی تند گردش» باشد مانند اقلام خوراکی؛ هدف از شرط اخیر این است که دریافت حق کمیسیون براساس فروش باشد، نه عضوگیری؛ چهارم اینکه متقاضی باید حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ معرفی‌نامه دبیرخانه کمیته نظارت نسبت به ثبت شرکت سهامی خاص اقدام نماید؛ بنابراین مجوز اخیر به اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی غیر از شرکت سهامی خاص اعطا نمی‌شود؛ پنجم اینکه شرکت بازاریابی شبکه‌ای باید واحد تولیدی دارای پروانه بهره‌برداری به نام خود داشته باشد (بند ۶ ماده ۸)؛ پس از تکمیل مدارک توسط متقاضی، اتحادیه موظف است حداکثر ظرف پانزده روز نسبت به صدور و تسلیم پروانه کسب به همراه نماد بازاریابی شبکه‌ای اقدام کند.

۲۴- مطابق ماده ۲ **قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی**: «منظور از مشاغل یا کسب و کار خانگی، آن دسته از فعالیت‌هایی است که توسط عضو یا اعضای خانواده در فضای مسکونی در قالب یک طرح کسب و کار، بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحدهای مسکونی همجوار شکل می‌گیرد و منجر به تولید خدمت و یا کالای قابل عرضه به بازار خارج از

مفهوم مشاغل
یا کسب و کار
خانگی

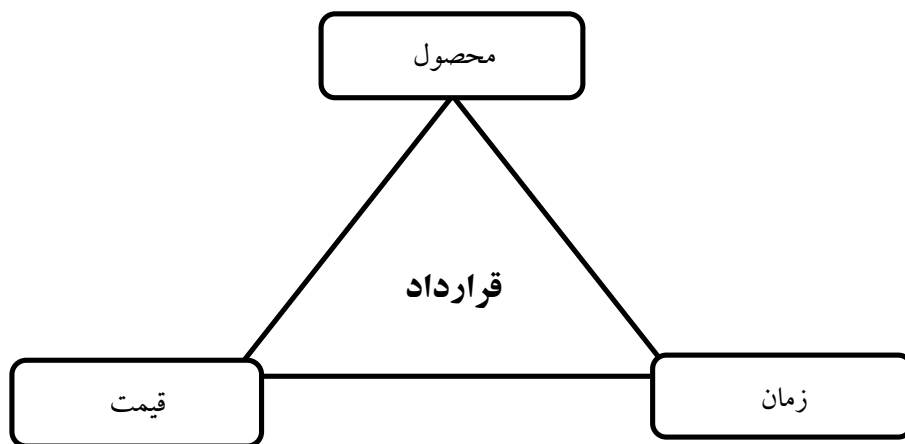
۱- برابر بند ۲ ماده ۱ قانون مجازات اخلاص‌گران نظام اقتصادی کشور. «تأسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، موسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضاء به نحوی که اعضا جدیدی جهت کسب منفعت، افراد دیگری را جذب نموده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد» جرم محسوب می‌شود.

**چند صفحه از فصل دوم
حقوق قراردادها**

محتوای قرارداد یا سایر قراین و شواهد حاکی از رابطه کارگری و کارفرمایی باشد، قرارداد اخیر، قرارداد کار محسوب شده و تابع قانون کار است ولو عنوان آن شراکت باشد؛ البته ممکن است بار اثبات موضوع اخیر به عهده کارگر قرار گیرد؛ به عبارت دیگر چون عنوان قرارداد شراکت است، بر عهده کارگر است که با ارائه دلایل و مدارک، خلاف ظاهر قرارداد را اثبات کند.

۱۳- نحوه نگارش قرارداد، معمولاً تابع هدف ما از انعقاد عقد است؛ اگرچه معمولاً در یک قرارداد، تمایل طبیعی خریدار بر این است که در کوتاه‌ترین زمان و کم‌ترین قیمت با کیفیت‌ترین کالای ممکن را خریداری کند ولی جمع هر سه مطلوب اخیر دشوار بوده و باید بر اساس اولویت بندی عمل کرد، زیرا هر سه عامل اخیر بر روی هم موثر هستند؛ به عنوان مثال، با کاهش قیمت، معمولاً کیفیت کم می‌شود و زمان تحویل کالا طولانی‌تر.

لزوم توجه به هدف از انعقاد قرارداد



۱۴- در صورت امکان، بهتر است پیش از مذاکره، اطلاعات لازم جمع آوری شود تا در جلسه مذاکره نسبت به پیشنهادهای احتمالی طرف مقابل، واکنش مناسبی داشته باشیم؛ علاوه بر این، لازم است در مذاکرات، گزینه‌ها و جایگزین‌های (alternative) متعدد داشته باشیم؛ همچنین پس از جمع آوری اطلاعات لازم جهت تنظیم قرارداد، بهتر است پیش‌نویسی از قرارداد تهیه کرده و در

جمع‌آوری اطلاعات لازم جهت تهیه پیش‌نویس قرارداد

۱. بار اثبات دعوی (آوردن دلیل) با مدعی است و مدعی شخصی است که اظهار او خلاف اصل یا ظاهر است.

جلسه حضوری جهت انعقاد عقد با پیش نویس حاضر شویم؛ لازمه تنظیم پیش نویس این است که اولاً از اهداف اصلی طرفین از انعقاد قرارداد، قدرت اقتصادی و چانه زنی هر یک از طرفین و انتظارات متقابل، به ویژه خطوط قرمز آن‌ها تا حدودی اطلاع داشته باشیم ثانیاً بدانیم برای تنظیم هر ماده از قرارداد به چه اطلاعاتی نیاز داریم و آن‌ها را جمع آوری نماییم.

شکل ظاهری پیش نویس قرارداد و عناوین مواد آن

عنوان قرارداد

ماده ۱: طرفین قرارداد

ماده ۲: موضوع قرارداد

ماده ۳: مبلغ قرارداد و نحوه پرداخت آن

ماده ۴: مشخصات کالا و نحوه تسلیم آن

ماده ۵: تعهدات طرف اول

ماده ۶: تعهدات طرف دوم

ماده ۷: فورس ماژور (قوه قاهره)

ماده ۸: شرایط متفرقه

ماده ۹: ضمانت اجراها

۱. اصرار بر این امر نداشته باشید که پیش نویس قرارداد از سوی شما تنظیم شود؛ می‌توانید از طرف مقابل بخواهید تا پیش نویس پیشنهادی را پیش از جلسه مذاکره برای شما ارسال نماید تا شما ضمن داشتن فرصت کافی جهت ویرایش قرارداد، با آمادگی کامل از انتظارات طرف در جلسه حاضر شوید؛ به ویژه اینکه در بسیاری از موارد ممکن است طرف مقابل به دلیل محدودیت‌های زمانی یا غیره، توان تنظیم پیش نویس را نداشته باشد و بدون اینکه احساس تحمیل یکجانبه پیش نویس را کند از شما درخواست تهیه پیش نویس را نماید که در این صورت بهتر است پیش نویس را تهیه و در جلسه مذاکره آن را ارائه کنید.

ماده ۱۰: آثار پس از انحلال قرارداد				
ماده ۱۱: اقامتگاه و شیوه ابلاغ				
ماده ۱۲: حل و فصل اختلافات				
ماده ۱۳: ضمایم و پیوست‌ها				
ماده ۱۴: تعداد نسخه‌ها و امضای قرارداد				
صاحبان امضای مجاز	مدیر حقوقی	مدیر مالی	مسئول انبار	درخواست‌کننده

۱۵- برای تنظیم یک قرارداد، تعهدنامه یا صورت‌جلسه خوب، حداقل باید پنج مطلب زیر مشخص شود:

اول- متعهد کیست؟

دوم- ذینفع تعهد کیست؟

سوم- موضوع تعهد چیست و با چه کیفیتی باید اجرا شود؟

چهارم- مدت تعهد چقدر است؟

پنجم- ضمانت اجرای نقض تعهد چیست؟

پنج ویژگی
مهم در تنظیم
تعهدنامه

نمونه‌ای از یک تعهدنامه:

پیرو مبیعه نامه شماره ۲۴۳۷۸ مورخ ۱۳۹۶/۶/۵ در جلسه‌ای به تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۰ در بنگاه مشاور املاک آریا، فروشنده و خریدار به نحو زیر توافق نمودند:

فروشنده آقای مجتبی اشراقی به شماره ملی ۰۰۷۹۳۵۳۶۰۲ متولد ۱۳۶۵/۰۵/۱۰ متعهد گردید

در روز شنبه مورخ ۱۳۹۷/۲/۲۲ حداکثر تا ساعت ۱۲ در دفترخانه اسناد رسمی ۳۸۳

تهران حاضر شده و با در دست داشتن کلیه اسناد و مدارک لازم نسبت به تنظیم سند رسمی

انتقال قطعی شش دانگ پلاک ثبتی ۱۸۲۴ فرعی از ۴۸ اصلی واقع در بخش ۱۱ ثبتی تهران به

مساحت ۲۵۰ متر مربع همراه با کلیه توابع و ملحقات قانونی و عرفی آن، واقع در تهران، خیابان شریعتی، رو به روی حسینیه ارشاد، کوچه هدیه، پلاک ۲۹۱ به کد پستی ۱۷۶۶۶۵۲۴۸۷ به نام خریدار آقای **علی همتی پور** به شماره ملی ۰۰۸۶۳۳۰۸۰۲ اقدام نماید؛ متقابلاً خریدار نیز متعهد گردید که با در دست داشتن کلیه مدارک لازم (از جمله الباقی ثمن معامله در قالب چک بانکی در وجه فروشنده) در زمان و مکان فوق جهت تنظیم سند رسمی و تحویل چک بانکی حاضر شود؛ در صورتی که به هر دلیلی، یکی از طرفین به تعهد خویش عمل ننماید، مکلف است علاوه بر اجرای اصل تعهد، **روزانه مبلغ یک میلیون تومان به عنوان خسارت تأخیر** به طرف مقابل پرداخت نماید؛ در صورتی که ذینفع تعهد نخواهد که طرف متخلف را به اجرای اصل تعهد ملزم کند، می تواند **قرارداد را فسخ نموده و ۳۰ درصد مبلغ قرارداد را به عنوان خسارت عدم انجام تعهد** از طرف مقابل مطالبه نماید؛

تبصره- در صورتی که روز اجرای تعهد با تعطیلی مواجه شود اولین روز پس از تعطیلات زمان اجرای تعهد محسوب شده و سایر شرایط مبیعه نامه و توافق حاضر به قوت خویش باقی است.

۱۶- گاه بر اساس اعتبار شخصی (نظیر مذاکره کننده یا نماینده) وارد قرارداد با شخص دیگری می شویم به تصور اینکه آن شخص مذاکره کننده طرف حساب ماست، درحالی که به لحاظ حقوقی، وی تعهدی ندارد؛ به عنوان مثال، اگر شرکتی از شما کالایی می خرد اصولاً شرکت مسئول است و سهامداران (ولو سهامدار عمده) و یا مدیران مسئولیتی ندارند و فروشنده تنها می تواند علیه شرکت طرح دعوی کرده (رای ۱۳۶۰- ۱۴۰۰/۵/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت عمومی) و صرفاً اموال متعلق به شرکت را توقیف کند، بنابراین اگر ساختمان شرکت متعلق به

طرف قرارداد
را هم نکند

۱ . البته اصل عدم مسئولیت مدیران مصون از استثناء نمانده است؛ به عنوان مثال مدیر امضاکننده چک مسئول پرداخت وجه آن است اگرچه چک از حساب شرکت صادر شده است و اموال خریداری شده در رابطه با آن چک، به مالکیت شرکت درآمده است، نه مدیر (رجوع کنید به فصل سوم: حقوق اسناد تجاری)؛ هم چنین

سهامداران است و شرکت صرفاً مستاجر محسوب می‌شود ملک اخیر بابت بدهی شرکت قابل توقیف نیست؛ راه حل چالش اخیر، درج شرط مسئولیت تضامنی در قرارداد است؛ به این معنا که مدیر یا سهامدار عمده با امضای قرارداد، کلیه تعهدات و مسئولیت‌های خریدار (شرکت) را به نحو تضامنی ضمانت کند؛ در این صورت فروشنده می‌تواند بابت کلیه مطالبات خود به هر یک از خریدار یا ضامن‌ها مراجعه کند

۱۷- به تعدد اطراف قرارداد توجه کنید، زیرا تعدد اطراف قرارداد مساوی است با سرشکن شدن حقوق و تعهدات؛ به عنوان مثال اگر خریداران دو نفر باشند، فروشنده نمی‌تواند کل بهای معامله را از یکی از آن‌ها مطالبه کند زیرا تعهد خریداران مشترک است مگر اینکه فروشنده در قرارداد علیه خریداران شرط مسئولیت تضامنی کند؛ همچنین اگر فروشنده فوت کرده و ورثه متعدد داشته باشد، خریدار نباید بهای باقی مانده معامله را به یکی از ورثه (نظیر پسر بزرگتر یا مادر یا همسر وی) بدهد بلکه باید مطابق گواهی حصر وراثت، به نسبت سهم الارث به همه ورثه پرداخت نماید؛ در غیراینصورت در برابر سایر ورثه مسئول است و ممکن است ناچار شود مجدداً قدرالسهم سایر ورثه را پرداخت کند.

لزوم توجه به
تعدد اطراف
قرارداد

است در خصوص مالیات که مدیران تحت شرایطی با شرکت در قبال سازمان امور مالیاتی مسئولیت تضامنی دارند (رجوع کنید به فصل ششم: حقوق مالیات)؛ لیکن مثال‌های اخیر جنبه استثنایی دارند.

۱. مسئولیت تضامنی به این معنا نیست که طلبکار می‌تواند مزاد بر طلب، چند بار طلب خویش را وصول نماید بلکه به این معنا است که طلبکار چند حق مطالبه دارد و می‌تواند علیه همه متعهدین طرح دعوی کرده و آن‌ها را محکوم کند و طلب خویش را از اموال هر یک از محکومین به دلخواه خویش وصول نماید لیکن به محض وصول کامل طلب خویش، حق مراجعه به سایر متعهدین را ندارد.

۲. بدهکاری که بدهی خویش را براساس گواهی حصر وراثت پرداخت می‌کند در مقابل هر مدعی وراثتی برئ‌الذمه محسوب می‌شود (ماده ۵ قانون تصدیق انحصار وراثت)؛ بنابراین اگر شخصی جزء ورثه باشد ولی اسم او در گواهی حصر وراثت درج نشده باشد صرفاً می‌تواند به اشخاصی مراجعه کند که من غیر حق وجوه را از بدهکار دریافت کرده‌اند و بدهکار مسئولیتی ندارد.

۱۸- گاهی طرف قرارداد از عناوین ثبت شده یا نشده‌ای استفاده می‌کند که موجب گمراهی طرف مقابل به ماهیت وی می‌شود؛ به عنوان مثال مشخص نیست که آژانس مسافرتی آسمان شخص حقوقی است یا حقیقی؟ بنابراین لازم است به نحو شفاف در این خصوص تعیین و تکلیف شود؛ توضیح آنکه طرف قرارداد یا شخص حقیقی است یا حقوقی؛ اگر شخص حقوقی است باید شناسه ملی داشته و در قرارداد درج شود (برای بررسی امر اخیر می‌توانید از سایت www.ilenc.ir استعلام بگیرید) در غیراینصورت طرف قرارداد شخص حقیقی بوده و باید شماره ملی وی در قرارداد درج شود.

۱۹- حقیقی یا حقوقی بودن طرف قرارداد به لحاظ حقوقی و مالی منشاء اثر است؛ بنابراین باید به ماهیت حقیقی یا حقوقی طرف قرارداد توجه نمود؛ به عنوان مثال در صورت عدم پرداخت بدهی از سوی شخص حقوقی، امکان بازداشت و حبس موضوعاً منتفی است و مدیرعامل شرکت را نیز نمی‌توان اصولاً بابت بدهی شرکت حبس نمود؛ البته راه‌حل مشکل اخیر می‌تواند شرط مسئولیت تضامنی مدیر امضاءکننده قرارداد با شرکت باشد تا بتوان به اموال شخصی مدیر هم مراجعه و در صورت عدم دسترسی به اموال بدهکار، تقاضای حبس مدیر (محکوم‌علیه) را نمود؛ در فرضی که امکان درج شرط مسئولیت تضامنی وجود ندارد و فقط می‌توانیم انتخاب کنیم که با شرکت به عنوان

شخص حقوقی طرف شویم یا با شخص حقیقی، به طور کلی می‌توان گفت که شخص حقوقی معتبر بهتر است از شخص حقیقی معتبر؛ زیرا شخص حقوقی از دوام بیشتری برخوردار است و فوت یک سهامدار یا مدیر موجب زوال آن نمی‌گردد؛ همچنین جابه‌جایی وجه یا اموال برای فرار از دین در یک شرکت معتبر کار ساده‌ای نبوده و عملاً متصور نیست؛ در مقابل شخص حقیقی بی‌اعتبار بهتر است از شخص حقوقی بی‌اعتبار؛ زیرا در صورت فقدان اموال جهت وصول طلب می‌توان تقاضای حبس محکوم‌علیه حقیقی را نمود در حالیکه در صورت انعقاد قرارداد با شخص حقوقی امکان

۱. در مواردی که محکوم‌علیه، کمتر از هجده سال داشته باشد، امکان حبس وی به استناد ماده (۳) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ممکن نیست؛ زیرا به لحاظ فقدان اهلیت از مداخله در اموال ممنوع بوده و

حبس شخص حقوقی منتفی بوده و ممکن است شخص حقیقی ذینفع پشت این شخصیت حقوقی پنهان شود؛ از منظر مالیاتی نیز، گاه لزوم کسر مالیات در زمان پرداخت، به حقیقی یا حقوقی بودن شخص وابسته است؛ به عنوان مثال، اگر شرکتی به یک وکیل یا مشاور حقوقی که کارمند وی نیست (یعنی رابطه طرفین مشمول قانون کار نیست) مبلغی به عنوان حق‌المشاوره پرداخت کند باید طبق

وصف ممتنع بر وی صدق نمی‌کند (نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۰۰/۱۶۵۴ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ اداره حقوقی قوه قضائیه)؛ بدیهی است امکان حبس نماینده محکوم‌علیه (ولی یا قیم) هم وجود ندارد زیرا اساساً طرف قرارداد نبوده و حکمی علیه او صادر نشده است؛ بنابراین بهتر است در مواردی که طرف قرارداد فاقد اهلیت است علیه نماینده وی که قرارداد را امضاء می‌کند، شرط مسئولیت تضامنی شود.

۱. یک تفاوت مهم حقوقی دیگر بین شخص حقیقی و حقوقی در خصوص عدم پذیرش اعسار از شخص حقوقی است؛ توضیح اینکه، اگر من یک میلیارد از دیگری طلب داشته باشم برای طرح دعوی علیه بدهکار باید حدود ۳۵ میلیون تومان به عنوان هزینه دادرسی پرداخت کنم (سه و نیم درصد خواسته) و در صورت عدم توانایی پرداخت چنین هزینه‌ای، می‌توانم تقاضای اعسار از هزینه دادرسی کنم یعنی موقتاً هزینه را نپردازم و پس از وصول طلب این هزینه را پرداخت کنم؛ فرض اخیر در مطالبه مهریه رایج است که زوجه طلب سنگینی از زوج دارد ولی توانایی پرداخت هزینه دادرسی آن را معمولاً ندارد؛ همچنین ممکن است شخصی من را به پرداخت وجهی محکوم کند در این صورت من برای اعتراض به رای باید حدود چهار و نیم درصد خواسته، هزینه تجدیدنظرخواهی بپردازم که در صورت عدم توانایی می‌توانم تقاضای اعسار کنم؛ همچنین پس از قطعیت رای، بدهکار می‌تواند از پرداخت یکجای محکوم‌به تقاضای اعسار دهد تا بدهی تقسیط گردد که نمونه بارز آن در خصوص مهریه است اگرچه محدود به آن نبوده و در خصوص سایر بدهی‌ها هم می‌شود تقاضای تقسیط نمود (اعسار از محکوم‌به)؛ ولی امکان درخواست اعسار از سوی شخص حقوقی وجود ندارد و در صورت عدم توانایی پرداخت هزینه دادرسی یا محکوم‌به، شرکت یا موسسه- غیرتجاری ناچار است تقاضای ورشکستگی نماید که مهمترین تفاوت آن با اعسار این است که ورشکستگی موجب انحلال شرکت می‌گردد و شرکت را وارد مرحله تصفیه کرده و فعالیت جدید در قالب آن شرکت دیگر ممکن نیست؛ بنابراین اشخاص حقوقی از مزیت اعسار نمی‌توانند استفاده کنند و این به نفع شخصی است که از شرکت طلبکار است؛ به ویژه اینکه اعسار موجب طولانی شدن فرایند دادرسی است و گاه بدهکار از این راه به دنبال اذیت کردن طلبکار است.

**چند صفحه از فصل سوم
حقوق شرکتها**

محدودیت تبدیل
مجدد شرکت
تبدیل شده

۱۴- جهت جلوگیری از تقلب ناشی از تبدیل شرکت‌ها به یکدیگر، ماده ۱۵ دستورالعمل اخیر چنین مقرر کرده است: «شرکت تبدیل شده حداقل پس از گذشت مدت ۲ سال از تاریخ ثبت تبدیل، می‌تواند با رعایت مقررات این دستورالعمل درخواست مجدد تبدیل به سایر شرکت‌ها را داشته باشد».

مقایسه و تفاوت‌های	شرکت سهامی خاص	شرکت با مسئولیت محدود
حداقل تعداد شرکا	۳	۲
تشریفات ارزش‌گذاری آورده غیرنقد	ضرورت جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری	ندارد
لزوم وجود بازرس اصلی و علی‌البدل	دارد	اصولاً ندارد
لزوم وجود هیأت مدیره و مدیرعامل	دارد	ندارد (می‌تواند تک مدیر باشد)
لزوم تشکیل مجمع و حدنصاب تشکیل	دارد	ندارد
لزوم نشر آگهی برای دعوت	دارد	ندارد
لزوم تصویب صورت‌های مالی به صورت سالانه	دارد	ندارد
لزوم تجدید انتخاب سالانه بازرس	دارد	ندارد
لزوم تجدید انتخاب هیأت مدیره حداقل هر دو سال یکبار	دارد	ندارد
لزوم واریز سرمایه به حساب بانکی	دارد	ندارد (سرمایه ممکن است صوری باشد)
تشریفات کاهش و افزایش سرمایه	دارد	ندارد
ممنوعیت رقابت مدیران با شرکت	دارد	ندارد
ممنوعیت یا محدودیت معامله با شرکت از سوی بازرس و مدیران	دارد	ندارد
ممنوعیت اخذ وام از شرکت از سوی مدیران یا تضمین دین مدیر توسط شرکت	دارد	ندارد

محدود کردن اختیارات مدیران در برابر اشخاص ثالث	ممکن نیست	ممکن است
ضمانت اجرای کیفی	مفصل و زیادی دارد	محدود و کمی دارد
لزوم سپردن سهام وثیقه از سوی مدیران	دارد	ندارد
ممنوعیت برخی از اشخاص از تصدی به سمت بازرس و مدیریت	دارد	اصولاً ندارد

۱۵- چه میزان سهام برای کنترل یک شرکت و مدیریت آن لازم است؟ یکی از

موضوعات بسیار مهم در شرکت‌ها اختیار مدیریت شرکت است؛ به همین دلیل تعداد سهامی که باعث شود سهامدار در هیات مدیره، یک مدیر داشته باشد (سهام مدیریتی) یا اکثریت هیات مدیره را در اختیار بگیرد (سهام کنترلی) از ارزش بسیار زیادی برخوردار است و چه بسا تنها تغییر و جا به جایی یک سهم موجب تحقق این امر شده و یا برعکس چنین وصفی را از سهام سلب کند؛ بنابراین دانستن میزان سهام لازم برای مدیریت شرکت امر مهمی است؛ به ویژه اینکه عموم مردم و حتی برخی از کارشناسان چنین می‌پندارند که صرف داشتن ۵۱ درصد سهام یک شرکت به معنای داشتن کنترل و تعیین اکثریت هیات‌مدیره آن شرکت است که این امر پندار غلطی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

میزان سهام
لازم برای کنترل
شرکت

۱۶- در ابتدا باید به این موضوع اشاره کرد که تعداد سهام یا شریک لازم جهت اتخاذ تصمیم در شرکت‌ها، بسته به نوع شرکت و نوع تصمیم متفاوت است و پیش از تعیین تعداد شریک و سهام لازم جهت تصمیم‌گیری، باید نوع شرکت را لحاظ نمود.

تفاوت سهام
موثر در
شرکت‌های
مختلف

۱۷- در شرکت‌های سهامی (اعم از سهامی عام یا خاص)، اصولاً سرمایه مهم است، نه تعداد سهام‌داران؛ چه بسا شرکتی دارای هزار سهام‌دار باشد ولی کنترل شرکت در اختیار صرفاً ۵ سهام‌دار باشد؛ زیرا در شرکت‌های سهامی، هر سهم یک رأی دارد، برخلاف شرکت‌های تعاونی که هر سهام‌دار (صرف نظر از میزان سهامش) فقط یک رأی دارد؛ بنابراین و اصولاً هر سهام‌دار که سهامش بیشتر باشد، در شرکت سهامی حق رأی بیشتری دارد.

اهمیت سرمایه
در شرکت‌های
سهامی

۱۸- هر چقدر تعداد سهام سهامدار بیشتر باشد به همان نسبت مالکیت و سود دریافتی سهام‌دار بیشتر است. منتها در خصوص رأی‌گیری و تصویب موضوعات، گاه لازم است که میزان سهام گروهی از سهامداران به نصاب و درصد خاصی برسد تا آن موضوع تصویب شود که در نوشتار حاضر، از آن میزان سهام، به عنوان سهام مؤثر یاد می‌شود؛ به عنوان مثال در شرکت‌های سهامی، انحلال شرکت مستلزم اکثریت دو سوم آراء حاضر در مجمع عمومی فوق‌العاده است؛ بنابراین اگر همه سهام‌داران در مجمع حاضر باشند و شرکت دارای ۹۹۹ سهم باشد برای تصویب انحلال شرکت صاحبان ۶۶۶ سهم باید اعلام موافقت نمایند یعنی در حدود ۶۷ درصد صاحبان سرمایه؛ مثال اخیر به خوبی نشان می‌دهد که داشتن ۶۶۵ سهم کافی نبوده و فقط یک سهم می‌تواند سرنوشت شرکت و سهام‌داران را به کلی تغییر دهد.

سهام مؤثر

۱۹- برای بررسی احراز اکثریت در شرکت‌های سهامی باید تعداد سهام‌ها را ملاک قرار داد مانند مثال بند پیشین؛ منتها جهت ساده سازی در نوشتار حاضر، میزان سهام لازم، گرد شده و تبدیل به درصد شده است؛ به عبارت دیگر برای انحلال شرکت دو سوم صاحبان سرمایه باید رأی دهند که اگر آن را گرد کنیم می‌شود ۶۷ درصد.

ملاک بودن
تعداد سهام

۲۰- در شرکت‌های سهامی وقتی گفته می‌شود تصمیمات با دو سوم معتبر است یعنی اولاً صاحبان دو سوم سرمایه ولو اینکه یک سهام‌دار باشد ثانیاً دو سوم آراء حاضر، نه کل سهام شرکت؛ به عنوان مثال اگر کل سرمایه شرکت ۹۰۰ سهم باشد و صاحبان ۶۰۰ سهم در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده حضور داشته باشند برای منحل کردن شرکت موافقت صاحبان ۴۰۰ سهم کافی است؛ در مثال اخیر مشاهده می‌شود که صاحبان ۴۰۰ سهم حتی نیمی از کل سهام شرکت (۹۰۰ سهم) را هم ندارند ولی می‌توانند شرکت را منحل کنند چون دارای دو سوم آراء حاضر (۶۰۰ سهم) در جلسه هستند؛ بنابراین عدم مشارکت برخی از سهام‌داران در جلسه، این فرصت را به اقلیت می‌دهد که تصمیمات مهمی را اتخاذ نمایند.

ملاک بودن
آراء حاضرین

۲۱- در شرکت‌های سهامی سه اکثریت مهم وجود دارد:

یک- اکثریت نسبی؛

دو- اکثریت مطلق؛

سه- اکثریت دو سوم.

انواع اکثریت

۲۲- اکثریت نسبی: یعنی هر شخصی بیشتر رأی آورد به عنوان عضو هیات مدیره یا بازرس شرکت انتخاب خواهد شد؛ به عنوان مثال در مجمع عمومی عادی، ۶ نفر برای عضویت در هیات مدیره شرکت که متشکل از سه نفر است نامزد می‌شوند؛ آقای الف ۳۰ رأی، آقای ب ۴۰ اکثریت نسبی رأی، آقای پ ۳۱ رأی، آقای ت ۲۹ رأی، آقای ث ۱۰ رأی و آقای ج ۲۰ رأی می‌آورد؛ در این صورت آقایان ب، پ و الف به عنوان اعضای هیات مدیره انتخاب می‌شوند.

اکثریت مطلق

۲۳- اکثریت مطلق: یعنی نصف به علاوه یک؛ اگر بخواهیم آن را به درصد تبدیل کنیم می‌شود ۵۱٪؛ البته روشن است که یک رأی بیشتر از ۵۰ درصد هم کافی است و نیازی به ۵۱ درصد نیست ولی صرفاً از باب ساده سازی می‌گوییم ۵۱ درصد؛ کلیه تصمیمات مجمع عمومی عادی (به جز انتخاب هیات مدیره و بازرسان که با اکثریت نسبی صورت می‌گیرد) منوط به تصویب نصف به علاوه یک صاحبان سرمایه حاضر در جلسه است (مانند تصویب صورت‌های مالی و ترازنامه، میزان تقسیم سود یا پاداش اعضای هیات مدیره و تعیین دستمزد بازرسان)؛ به عنوان مثال اگر شرکتی هزار سهم داشته باشد، و همه سهام‌داران در مجمع حضور داشته باشند، تصویب صورت‌های مالی منوط به موافقت صاحبان ۵۰۱ سهم است.

۱. مطابق قاعده کلی هر سهم یک رأی دارد؛ بنابراین شخصی که ۱۰ سهم دارد ۱۰ حق رأی دارد؛ ولی استثنائاً در انتخاب اعضای هیات مدیره، میزان حق رأی هر سهام‌دار ضریب تعداد صندلی‌های هیات مدیره می‌شود؛ بنابراین اگر شخصی ۱۰ سهم داشته باشد و تعداد صندلی‌های هیات مدیره سه نفر باشد، سهام‌دار اخیر ۳۰ حق رأی دارد که می‌تواند حق رأی خود را به یک نامزد عضویت در هیات مدیره بدهد یا رأی‌های خویش را به نسبت دلخواه میان نامزدها تقسیم کند.

۲. گفتنی است ارزش اسمی هر سهم با هم مساوی هستند، یعنی اگر سرمایه شرکت صد هزار تومان باشد و شرکت هزار سهم داشته باشد ارزش اسمی هر سهم صد تومان است.

۲۴- اکثریت دو سوم: کلیه تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده با رأی صاحبان دو سوم سهام اکثریت خاص حاضر در جلسه معتبر است؛ بنابراین برای اتخاذ مهم ترین تصمیمات شرکت، داشتن ۶۷ درصد سهام شرکت کافی است.

۲۵- انواع مجامع	صلاحیت‌ها ^۲	حد نصاب تشکیل	اکثریت رأی گیری
موسس	کلیه امور راجع به تأسیس شرکت از قبیل تصویب طرح اساسنامه، انتخاب اولین مدیران و بازرسان، نوبت سوم: یک سوم انتخاب اولین روزنامه کثیرالانتشار جهت انتشار آگهی. (مواد ۱۷ و ۷۴ تا ۸۲ ل.ا.ق.ت)	نوبت اول: یک دوم نوبت دوم: یک سوم نوبت سوم: یک سوم (ماده ۷۵ ل.ا.ق.ت)	دو سوم (ماده ۷۵ ل.ا.ق.ت)
فوق العاده	تغییر اساسنامه تغییر سرمایه انحلال شرکت (ماده ۸۳ ل.ا.ق.ت)	نوبت اول: بیش از یک دوم نوبت دوم: بیش از یک سوم (ماده ۸۴ ل.ا.ق.ت)	دو سوم (ماده ۸۵ ل.ا.ق.ت)
عادی	کلیه امور به جزء آنچه در صلاحیت مجمع عمومی موسس یا فوق العاده است از قبیل تصویب صورت‌های مالی، انتخاب مدیران و بازرسان و تعیین حق الزحمه و پاداش آن‌ها، تغییر روزنامه کثیرالانتشار آگهی‌های شرکت (ماده ۸۶ ل.ا.ق.ت)	نوبت اول: بیش از یک دوم نوبت دوم: هر عده (ماده ۸۷ ل.ا.ق.ت)	نصف به علاوه یک مگر در خصوص انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی ملاک است (ماده ۸۸)

۱. مجامع عمومی شرکت سهامی، متشکل از سهام‌داران است (ماده ۷۲) و اصولاً هر سهام‌دار حق حضور دارد (رک تبصره ماده ۷۵ ل.ا.ق.ت).

۲. منظور از صلاحیت مجامع، اموری است که امکان طرح و تصویب در آن‌ها وجود دارد؛ بنابراین اگرچه تمام مجامع متشکل از سهام‌داران هستند ولی چون حد نصاب تشکیل و رأی گیری هر یک متفاوت است تصمیم‌گیری در مجمع در صورتی معتبر است که آن موضوع در صلاحیت مجمع باشد.

۲۶- پس از تأسیس شرکت، دیگر مجمع عمومی موسس، موضوعیت خویش را از دست می‌دهد و کلیه امور شرکت از طریق دو مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده پیگیری می‌شود؛ به این نحو که مجمع عمومی فوق‌العاده صرفاً در خصوص موضوع تغییر اساسنامه، تغییر سرمایه و انحلال شرکت صلاحیت دارد و سایر موضوعات در صلاحیت مجمع عمومی عادی است، به همین دلیل گفته می‌شود مجمع عمومی عادی، صلاحیت عام و مجمع عمومی فوق‌العاده صلاحیت خاص دارد.

۲

۲۷- مجمع عمومی عادی بر دو قسم است: مجمع عمومی عادی به طور سالیانه که هر سال در موعد مقرر در اساسنامه تشکیل می‌شود و در مقابل مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که در موارد لزوم خارج از موعد مقرر در اساسنامه تشکیل می‌شود؛ بنابراین تنها تفاوت این دو مجمع از لحاظ زمان تشکیل است و از حیث صلاحیت تفاوتی ندارند؛ به همین دلیل مجمع عمومی عادی سالیانه می‌تواند علاوه بر تصویب صورت‌های مالی، نسبت به سایر اموری که در صلاحیت مجمع عمومی عادی است مانند انتخاب مدیران نیز اتخاذ تصمیم کند و یا مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده می‌تواند نسبت به تصویب صورت‌های مالی اقدام نماید؛ اما مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده را نباید با مجمع عمومی فوق‌العاده اشتباه گرفت چرا که مجمع نخست صرفاً به لحاظ زمانی فوق‌العاده است در حالیکه مجمع دوم از حیث صلاحیت؛ بنابراین در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده، نمی‌توان اساسنامه را تغییر داد بلکه صرفاً همان تصمیماتی قابل اتخاذ است که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

تفاوت مجمع عمومی فوق‌العاده با مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده

۱. ماده ۸۶ لایحه اصلاحی قانون تجارت (۱۳۴۷): مجمع عمومی عادی می‌تواند نسبت به کلیه امور شرکت به جزء آنچه در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق‌العاده است تصمیم بگیرد.
۲. ماده ۸۳ لایحه اصلاحی قانون تجارت (۱۳۴۷): هر گونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است.
۳. اگر مجمع عمومی عادی سالیانه در موعد مقرر دعوت شده ولی به حد نصاب لازم نرسد و مجمع برای نوبت دوم دعوت شود باز هم مجمع عمومی عادی سالیانه محسوب می‌شود زیرا مجمع دوم در راستای مجمع اول است.

۲۸- در شرکت‌های سهامی داشتن اکثریت سهام کافی نیست بلکه باید ابتدا مجمع عمومی را با توجه به حد نصاب‌ها و تشریفات لازم تشکیل داد و پس از آن، اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری را مدنظر قرار داد؛ بنابراین اگرچه داشتن ۵۱ یا ۶۷ درصد سهام یک شرکت سهامی به منزله داشتن اکثریت مطلق یا اکثریت لازم جهت اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده است ولی کافی نیست زیرا ممکن است صاحبان اکثریت سرمایه به چند دلیل، قدرت کنترل شرکت را نداشته باشند که در ادامه به آن پرداخته شده است.

عدم کفایت
۵۱٪ سهام
برای کنترل
شرکت

۲۹- دلیل اول: عدم امکان تشکیل هیأت رئیسه مجمع عمومی: مطابق ماده ۱۰۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت هیچ مجمعی تشکیل نمی‌شود مگر اینکه دارای هیأت رئیسه باشد و هیأت رئیسه اخیر متشکل از چهار نفر است: یک رئیس، دو ناظر و یک منشی که طبق قسمت اخیر ماده، منشی می‌تواند سهام‌دار نباشد ولی سه نفر دیگر الزاماً باید سهام‌دار باشند؛ بنابراین اگر شخصی ۹۷ درصد سهام یک شرکت را داشته باشد توانایی تشکیل هیأت رئیسه را در ظاهر ندارد و شرکای دیگر که هر یک تنها یک درصد سهام و مجموعاً سه درصد سهام را دارند می‌توانند هیأت رئیسه تشکیل داده و مجمع عمومی عادی را در نوبت دوم (با دعوت از طریق نشر آگهی) و بدون حضور سهام‌دار ۹۷ درصدی تشکیل داده و اتخاذ تصمیم کنند؛ بنابراین درحالی که عدد سهام‌داران اصولاً اهمیتی ندارد، استثنائاً در این مورد، تعداد سهام‌داران هم اهمیت پیدا کرده و بهتر بود سهام‌دار ۹۷ درصد، قسمتی از سهام خویش را در حین تأسیس به نام دو نفر دیگر دریافت می‌نمود که شرط وجود حداقل سه سهام‌دار برای تشکیل مجمع محقق شود؛ البته در صورتی که انتقال سهام، محدودیتی نداشته باشد، پس از تأسیس شرکت هم این امکان وجود

لزوم تشکیل
هیأت رئیسه
(ماده ۱۰۱)

۱. در چنین مواردی بهتر است سهام‌دار اصلی از اشخاصی که سهام را صرفاً جهت حل مشکل اخیر به آن‌ها واگذار کرده است، صلح‌نامه عادی و وکالت رسمی جامع بلاعزل بگیرد تا در صورت بروز اختلاف، اختیار سهام‌های اخیر از دست او خارج نشود.

**چند صفحه از فصل چهارم
حقوق اسناد تجاری
(چک و سفته)**

مبحث اول - شرح حقوق اسناد تجاری

۱- اسناد تجاری در معنای عام به کلیه اسنادی گفته می‌شود که در تجارت از آن‌ها استفاده می‌شود؛ مانند قبض انبار؛ اما سند تجاری در معنای خاص، محدود به چک، اُسفته و برات است که هر سه سند اخیر بیانگر تعهد صادرکننده سند به پرداخت مبلغی پول در وجه دارنده آن است و معمولاً به‌عنوان وسیله پرداخت از آن استفاده می‌شود؛ البته گاه از اسناد تجاری جهت تضمین و تحصیل اعتبار هم استفاده می‌گردد.

مفهوم اسناد
تجاری

۲- چک و برات معمولاً سه طرف دارند و نوعی دستور پرداخت محسوب می‌شوند زیرا صادرکننده به شخص دیگری دستور می‌دهد که مبلغ آن را در وجه دارنده پرداخت نماید؛ در گذشته چک لزوماً سند حال محسوب می‌شد و صادرکننده برای صدور سند وعده‌دار و تحصیل اعتبار باید از برات استفاده می‌نمود ولی در عمل، اشخاص مبادرت به صدور چک وعده‌دار نموده و در نهایت قانون‌گذار نیز عرف اخیر را پذیرفت (ماده ۳ قانون صدور چک) و هم‌اکنون با امکان صدور چک وعده‌دار، عملاً برات از رواج افتاده و کمتر در مبادلات داخلی به چشم می‌خورد؛ در مقابل سفته دارای ۲ طرف اصلی است؛ یکی صادرکننده و دیگری دارنده،

مفهوم چک،
سفته و برات و
پذیرش چک
وعده‌دار و
متروک شدن
برات

۱. قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ است که تاکنون چهار بار در سال‌های ۱۳۷۲، ۱۳۸۲، ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ اصلاح شده است که شرح موجود در کتاب حاضر مبتنی بر آخرین اصلاحیه است؛ البته برخی از اصلاحات اخیر، صرفاً در خصوص دسته چک‌هایی اعمال می‌شود که پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون صادر شده باشند.

۲. رسیدی است که صاحب انبار به صاحب کالا می‌دهد و بیانگر مالکیت صاحب قبض بر کالاهای موجود در انبار است.

۳. در قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ قانون‌گذار تاکید می‌نمود که صادرکننده باید در زمان صدور چک، معادل مبلغ چک در حساب خود موجودی یا اعتبار داشته باشد و حتی در اصلاحات سال ۱۳۷۲ پا را فراتر گذاشته و صدور چک وعده‌دار را جرم تلقی نمود ولی اجبار قانونی اخیر تأثیری در عرف تجاری نداشت و مردم همچنان مبادرت به صدور چک وعده‌دار می‌نمودند، لذا قانون‌گذار در اصلاحات سال ۱۳۸۲ صدور چک وعده‌دار را پذیرفته و مقرر داشت که صادرکننده باید در تاریخ مندرج در چک (نه لزوماً تاریخ صدور) موجودی در حساب داشته باشد و بانک نباید چک را پیش از موعد پرداخت نماید (ماده ۳ مکرر قانون صدور چک ۱۳۸۲)؛ در اصلاحات سال ۱۳۸۲، نه تنها صدور چک وعده‌دار از سوی صادرکننده عمل مجرمانه محسوب نمی‌شود بلکه اگر چنین چکی با برگشت هم مواجه شود، قانون‌گذار از دارنده حمایت کیفری نکرده و صادرکننده را مجرم نمی‌داند؛ به عبارت دیگر تا پیش از سال ۱۳۸۲ قانون‌گذار بابت صدور چک وعده‌دار صادرکننده را مجازات می‌نمود ولی اینک صدور چک وعده‌دار بدون محل را نیز جرم تلقی نکرده و دارنده چک را به‌نوعی ترغیب می‌کند تا از دریافت چنین چکی خودداری نماید.

به همین دلیل نوعی «تعهد به پرداخت» محسوب می‌شود یعنی صادرکننده و پرداخت‌کننده آن واحد است.

۳- سند تجاری (چک، سفته و برات) دارای ویژگی‌ها و مزایایی هستند که باعث می‌شوند طلبکار ترجیح دهد از بدهکار بابت مطالبات خویش، چک یا سفته دریافت نماید؛ به‌عنوان مثال: اگرچه در فروش ملک، خریدار به مبلغ قرارداد متعهد شده و اقساط و تاریخ‌های پرداخت مشخص است ولی فروشنده معمولاً ترجیح می‌دهد بابت هر یک از اقساط از خریدار چک دریافت کند؛ بدیهی است در صورت عدم دریافت چک هم، فروشنده می‌تواند بر اساس قرارداد فروش علیه خریدار طرح دعوی مطالبه وجه نماید ولی گرفتن چک باعث می‌شود به دلایل آتی، به نحو راحت‌تر و سریع‌تری به طلب خویش دست یابد؛ در ادامه به بررسی ویژگی‌های مشترک سند تجاری پرداخته شده که اختصاص به چک نداشته و در سفته نیز جاری است.

۴- مزیت اول: مصون بودن سند تجاری در برابر برخی ایرادات و دفاعیات؛

به‌عنوان مثال یک شرکت تبلیغاتی در ازای دریافت یک میلیارد، متعهد به نمایش تبلیغات یک شرکت تولیدی، دور زمین فوتبال در حین مسابقه معینی می‌شود و شرکت تولیدی نیز جهت اجرای تعهدات خود به پرداخت، یک فقره چک یک‌میلیاردی صادر می‌کند تا پس از برگزاری مسابقه و نمایش تبلیغات توافق شده طبق قرارداد چک اخیر وصول گردد اما شرکت تبلیغاتی علی‌رغم لغو مسابقه و بدون انجام تعهد خویش، چک را برگشت زده و علیه شرکت تولیدی طرح دعوا می‌کند؛ بدیهی است که صادرکننده چک می‌تواند با اثبات این که چک موضوع دعوا مرتبط با قرارداد معین و در برابر تعهد مشخصی بوده است که دارنده به آن عمل ننموده است از خود دفاع کرده و دادگاه نیز دعوای خواهان (دارنده چک) را رد خواهد نمود اما اگر در همین مثال، شرکت تبلیغاتی، چک را به دیگری منتقل نماید و شخص اخیر نسبت به برگشت زدن چک اقدام ننموده و علیه صادرکننده طرح دعوای مطالبه وجه نماید؛ دیگر صادرکننده نمی‌تواند در برابر دارنده چک که نسبت به قرارداد تبلیغات منعقد شده، ثالث محسوب می‌شود،

بهبتر است
طلبکار سند
تجاری بگیرد

اصل جدایی
تعهد تجاری
از تعهد پایه

به قرارداد خود با شرکت تبلیغاتی استناد کند؛ بنابراین، دادگاه، صادرکننده چک را به پرداخت وجه چک محکوم کرده و صادرکننده می‌تواند بعداً به دارنده اولیه (شرکت تبلیغاتی) مراجعه کرده و تقاضای استرداد وجه پرداخت شده را بنماید؛ در نتیجه اگر چک یا سفته به شخص ثالث منتقل شود شخص ثالث در برابر ایرادات احتمالی صادرکننده در امان خواهد بود، مشروط بر اینکه اولاً ایرادات صادرکننده مربوط به قرارداد پایه باشد، (مانند آنچه در خصوص قرارداد تبلیغات بیان شد)؛ به عبارت دیگر صادرکننده نمی‌تواند به مفاد قراردادی متوسل شود که دارنده فعلی، طرف آن نبوده است ولی اگر ایراد صادرکننده به تعهد تجاری مندرج در سند تجاری باشد، چنین دفاعی حتی در برابر ثالث هم مؤثر است؛ مانند اینکه صادرکننده اثبات کند که امضای روی چک جعلی بوده و متعلق به او نیست؛ در این صورت اساساً وی صادرکننده محسوب نمی‌شود چون سندی را امضا نکرده است؛ فرض اخیر در خصوص دسته‌چک‌های سرقتی مصداق زیادی دارد که ممکن است سارق به جای کسی که دسته‌چک متعلق به اوست، مبادرت به صدور چک نماید که در صورت اثبات، متضمن تعهد حقوقی یا کیفری برای صاحب دسته‌چک نیست؛ ثانیاً دارنده با حسن نیت باشد؛ به عبارت دیگر، قانون‌گذار در صورتی از ثالث حمایت کرده و ایرادات مربوط به قرارداد پایه را نسبت به او مؤثر نمی‌داند که وی از وجود چنین ایرادی بی‌اطلاع باشد؛ بنابراین اگر ثالث با آگاهی از این که دارنده استحقاق دریافت وجه چک را ندارد، چنین چکی را از وی دریافت می‌کند (عموماً مبتنی بر تبانی، یعنی دارنده برای خلع سلاح کردن صادرکننده، چک را به صورت صوری به ثالث منتقل می‌کند)، شایسته حمایت نبوده و صادرکننده حق دارد تمام دفاعیاتی را که می‌توانسته در قبال دارنده اول به آن استناد کند در برابر ثالث با سوءنیت نیز استناد کند؛ منتها اصل بر حسن نیت یا همان ناآگاهی ثالث است و اثبات سوءنیت بر عهده صادرکننده است که امری دشوار و غالباً غیرممکن است.

۱. ملاک حسن نیت، زمان دریافت سند است؛ بنابراین اگر خواهان دعوی در زمان دریافت سند از وجود ایراد پایه بی‌اطلاع باشد و بعداً به آن پی ببرد، همچنان دارنده با حسن نیت محسوب می‌شود.

۵- مزیت دوم: سهولت توقیف اموال متعهدین سند تجاری؛ توضیح آن که اصولاً باید ابتدا حکم قطعی مبنی بر محکومیت بدهکار صادر و سپس اموال وی را توقیف نمود؛ با وجود این، گاه طلبکار مدعی است که اگر در اول دادرسی اموال بدهکار توقیف نشود وی نسبت به انتقال آن‌ها جهت فرار از پرداخت بدهی اقدام کرده و پس از صدور حکم قطعی که ممکن است تا یک سال طول بکشد، دیگر بدهکار اموال در دسترسی نداشته تا طلبکار، طلبش را از محل آن وصول نماید؛ بنابراین گاه طلبکار از دادگاه می‌خواهد که پیش از صدور حکم نسبت به توقیف اموال بدهکار اقدام نماید؛ اگرچه درخواست اخیر از جهتی منطقی است، منتها اظهار خواهان ادعایی است که هنوز به اثبات نرسیده است و چه بسا در پایان دادرسی خواهان محکوم به بی‌حقی شده و خوانده تبرئه شود؛ بنابراین جمع این دو مصلحت این است که دادگاه توقیف اموال بدهکار را منوط به سپردن مبلغی به عنوان خسارت احتمالی در صندوق دادگستری نماید تا اگر رای به نفع خواهان صادر نشد، خوانده بتواند ضرر و زیان احتمالی خویش را از محل مبلغ اخیر وصول نماید؛ بدیهی است اگر رای به نفع خواهان صادر شود، وی می‌تواند این مبلغ را از دادگستری مسترد کند. نهاد اخیر در اصطلاح حقوقی «تأمین خواسته» نام دارد؛ امکان درخواست تأمین خواسته و توقیف اموال بدهکار اختصاص به چک و سفته ندارد و در سایر دعاوی نیز ممکن است، منتها مزیت اصلی داشتن چک و سفته در این است که طلبکاری که طلب او مستند به چک و سفته است، از پرداخت خسارت احتمالی معاف است؛ به عبارت دیگر مستنداً به ماده ۲۹۲ قانون تجارت و بند ج ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی قاضی مکلف است به درخواست دارنده چک و سفته تا مبلغ مندرج در وجه سند، بدون دریافت خسارت احتمالی قرار تأمین خواسته صادر نماید.

۱

۱. نظر به اینکه استفاده از مزیت اخیر، منوط به اعتراض به عدم پرداخت است و در سفته اعتراض به عدم پرداخت در قالب "واخواست" صورت می‌گیرد و در رویه عملی به دلیل هزینه و زمان بر بودن واخواست، سفته بدون واخواست وارد دادگاه می‌شود، دارنده سفته مجبور است مبلغی به عنوان خسارت احتمالی

تأمین خواسته
بدون نیاز به
سپردن
خسارت
احتمالی

۶- **مزیت سوم: مسئولیت تضامنی متعهدین سند تجاری؛** به این معنا که دارنده چک می‌تواند به کلیه اشخاصی که چک را به‌عنوان صادرکننده، ظهرنویس یا ضامن امضاء نموده‌اند، مراجعه نماید و کل مبلغ چک را از هر یک که می‌خواهد و بنا به میل خود و بدون نیاز به رعایت ترتیب و تقدم مطالبه کند؛ بنابراین اگر شخص «الف» چکی را به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان در وجه «ب» صادر کند و سپس «ب» چک را در وجه «د» ظهرنویسی کرده و آن را به وی انتقال دهد و شخص «ج» نیز پرداخت وجه چک را از طرف «الف» ضمانت کند، در صورت عدم پرداخت وجه چک، شخص دارنده چک (د) می‌تواند علیه صادرکننده «الف» و ضامن وی «ج» و همچنین ظهرنویس «ب» طرح دعوا نماید و هر سه متعهد اخیر را به پرداخت تضامنی وجه مندرج در سند محکوم کند و اموال محکومین را توقیف نموده و طلب خود را تا حد مبلغ چک به انضمام خسارات از محل آن‌ها وصول نماید؛ بدیهی است مسئولیت تضامنی به این معنا نیست که طلبکار می‌تواند طلب خود را چند بار وصول کند، بلکه طلبکار می‌تواند طلب واحد خود را از چند نفر مطالبه نماید و به محض وصول کل طلب خود از یکی از متعهدین، حق مراجعه به سایرین را ندارد؛ به بیان ساده، طلبکار در مسئولیت تضامنی به هرکسی که دسترسی آسان‌تر داشته باشد مراجعه می‌کند؛ بدیهی است اگر دارنده (د) در مثال مطروحه به ظهرنویس «ب» مراجعه کند، شخص «ب» نیز می‌تواند به صادرکننده و ضامن وی مراجعه کنند و ضامن نیز

مسئولیت
تضامنی امضاء
کنندگان سند
تجاری

بپردازد؛ گفتنی است مبلغ خسارت احتمالی غالباً بین ۱۰ تا ۱۵ درصد ارزش خواسته است که در صورتی که سفته واخواست شده باشد دارنده نیازی به پرداخت آن ندارد در غیراینصورت باید آن را مطابق نظر قاضی پرونده بپردازد اگرچه معمولاً در سفته واخواست نشده، محاکم درصد کمتری (حدود ۵ تا ۱۰ درصد) در نظر می‌گیرند.

۱. بعد از صدور قرار تأمین خواسته، خواهان (طلبکار) می‌تواند با معرفی اموال خوانده تقاضای توقیف آن‌ها را بنماید؛ در صورتی که خواهان مال معینی از خوانده سراغ نداشته باشد، می‌تواند از دادگاه تقاضای استعلام و شناسایی اموال نماید؛ به‌عنوان مثال می‌تواند با اخذ نامه خطاب به پلیس راهور ناجا (برای خودرو)، اداره ثبت اسناد و املاک، سازمان بورس اوراق بهادار یا بانک مرکزی، اموال خوانده را شناسایی کند (مواد ۲ و ۱۹ و ۲۰ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی).

**چند صفحه از فصل پنجم
حقوق کار**

اعطای امتیازات فراتر از قواعد آمره ندارد (دادنامه‌های شماره ۱۱۷۵ تا ۱۱۷۷ مورخ ۱۴۰۰/۴/۸ و دادنامه ۱۳۲۲-۱۴۰۰/۵/۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری).

۲۷- رد شدن بیمه کارکنان هم یک امر اجباری است که رضایت کارمند به عدم پرداخت آن بی‌تاثیر است؛ گاه دیده می‌شود که کارفرما حق بیمه را به کارگر پرداخت می‌کند که امر اشتباهی است و در صورت شکایت کارگر و یا مراجعه بازرس اداره کار یا تأمین اجتماعی به کارگاه، کارفرما باید علاوه بر اصل مبلغ حق بیمه، جریمه نیزپردازد (در خصوص جریمه عدم ارسال لیست و پرداخت حق بیمه رجوع کنید به شماره ۳۳ و ۳۴ فصل حقوق تأمین اجتماعی).

لزوم بیمه
کردن کارگر

۲۸- صرف این مطلب که کارگر در جای دیگری نیز کار کرده و برای وی در کارگاه دیگری حق بیمه رد می‌شود، رافع مسئولیت کارفرمای دوم در رد کردن بیمه نیست و در صورتی که هر دو کارگاه مشمول قانون تأمین اجتماعی باشد، هر کارفرمایی اصولاً باید به نسبت کارکرد کارگر، برای وی بیمه رد نماید (ماده ۳۴ قانون تأمین اجتماعی)؛ اگر مبلغ حق بیمه‌ای که کارفرمای اول پرداخت می‌کند، ۷ برابر حداقل حقوق باشد، دیگر نیازی نیست که کارفرمای دوم حق بیمه پرداخت کند؛ اسم کارمند در لیست بیمه می‌آید ولی برای او صفر رد می‌شود. اگرچه در عمل معمولاً کارفرمای دوم با چنین کارگری قرارداد مشاوره در قالب پیمانکاری منعقد می‌نماید تا از شمول قانون کار خارج شود.

وضعیت
کارگری که در
کارگاه دیگری
بیمه شده
است

۲۹- علاوه بر لزوم بیمه کردن کارکنان نزد سازمان تأمین اجتماعی، حداقل مزایای اجباری کارگر، علاوه بر حقوق به دو قسم است:

مصادیق
مزایای رفاهی
اجباری

الف) مزایای حین کار

• کمک هزینه اقلام مصرفی (بن کارگری)

❖ کمک هزینه مسکن

❖ کمک عائله مندی

❖ پایه سنواتی

ب) مزایای پایان کار

❖ عیدی و پاداش سالانه

❖ سنوات

❖ باز خرید مرخصی

۳۰- حق بیمه بازنشستگی کارکنان، ۳۰ درصد حقوق کارگر است که ۲۰ درصد سهم کارفرما، ۷ درصد سهم کارگر و ۳ درصد سهم دولت است (تبصره ۱ ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی) که علاوه بر آن، کارفرما باید ۳ درصد هم بیمه بیکاری برای کارگر پردازد (ماده ۵ قانون بیمه بیکاری) که مجموع سهم کارفرما ۲۳ درصد می شود؛ حق بیمه هر ماه اصولاً باید حداکثر تا پایان ماه بعد پرداخت شود وگرنه مستوجب جریمه معادل ۲٪ حق بیمه پرداخت نشده برای هر ماه است؛ به عنوان مثال حق بیمه حقوق تیر ماه باید حداکثر تا ۳۱ مرداد ماه پرداخت شود؛

میزان حق
بیمه و زمان
پرداخت آن

۱. درصدهای مندرج در شماره بالا، به عنوان قاعده کلی است و ممکن است برخی مشاغل دارای قواعد ویژه و خاص باشند؛ به عنوان مثال در مشاغل سخت و زیان آور کارفرما مکلف است ۴ درصد بیشتر پرداخت کند؛ همچنین در برخی مشاغل درصد به مأخذ دستمزد واقعی نیست بلکه برخی مشاغل مانند آرایشگری یا رانندگان بین شهری دارای تعرفه دستمزد هستند و درصدهای مندرج در ماده ۲۸ باید به مأخذ تعرفه پرداخت شود ولو دستمزد واقعی کمتر یا بیشتر باشد؛ بنابراین در موارد اخیر، شغل ملاک است، نه دستمزد (ماده ۳۵ قانون تأمین اجتماعی)؛ همچنین در برخی موارد که نوع کار ایجاب کند، سازمان می تواند مأخذ حق بیمه را بر اساس "نسبت مزد به کل کار" قرار داده و مبلغی از «کل بهای کار انجام شده» را مأخذ محاسبه قرار دهد (ماده ۴۱)؛ گفتنی است برخی مشاغل تحت حمایت خاص هستند و دولت تمام یا بخشی از سهم کارفرما را پرداخت می کند مانند کارکنان شاغل در انتشارات.

۲. مهلت پرداخت حق بیمه در برخی از صنوف، استثنائاً دو ماه است.

۳۱- کمک هزینه اقلام مصرفی خانوار (بن کارگری): مبلغی است که سالانه توسط شورای عالی کار تصویب و کارفرما مکلف به پرداخت آن است که مبلغ آن در سال ۱۴۰۱، ۸۵۰ هزار تومان برای هر ماه است؛ شرط استفاده از بن کارگری، شمول قانون کار بر قرارداد است (خواه کارگر بن کارگری تحت پوشش صندوق تأمین اجتماعی باشد یا نباشد)؛ به عنوان مثال، بازنشسته صندوق بازنشستگی که در بخش خصوص در قالب قرارداد کار مشغول به فعالیت است، مشمول قانون کار بوده و مستحق بن کارگری است اگرچه مشمول قانون تأمین اجتماعی نیست.

۳۲- کمک هزینه مسکن: مبلغی است که سالانه با پیشنهاد شورای عالی کار، به تصویب هیئت وزیران رسیده و کارفرما مکلف به پرداخت آن است که مبلغ آن در سال ۱۴۰۱، ۶۵۰ هزار تومان برای هر ماه است؛ پرداخت این مبلغ ارتباطی به مرد یا زن بودن، مجرد یا متأهل بودن، داشتن مسکن یا نداشتن آن ندارد و حتی برخورداری از خانه‌های سازمانی نیز کارفرما را از پرداخت مبلغ اخیر معاف نمی‌کند.

۳۳- کمک عائله‌مندی: حق اخیر در قانون تأمین اجتماعی پیش‌بینی شده است (مواد ۸۶ و ۸۷ قانون تأمین اجتماعی) لذا فقط شامل اشخاصی می‌شود که تحت پوشش صندوق بیمه تأمین اجتماعی باشند (خواه مشمول قانون کار باشند یا نباشند)؛ همچنین صرف داشتن همسر، اصولاً کارگر را مشمول کمک عائله‌مندی نمی‌کند بلکه ملاک، داشتن فرزند است و مطابق آخرین اصلاحات قانونی، به تعداد فرزند کارگر بدون محدودیت، حق عائله‌مندی تعلق می‌گیرد؛ بنابراین اگر کارگری که پنج فرزند دارد (با حداقل حقوق استخدام شود) حدوداً یک و نیم برابر حقوق یک کارگر بدون حق عائله‌مندی باید به وی پرداخت شود زیرا کمک عائله‌مندی معادل سه برابر حداقل مزد روزانه کارگر ساده برای هر فرزند است (ماده ۸۶ قانون تأمین اجتماعی؛ ر.ک: ش ۲۱ همین فصل) که در فرض اخیر برای پنج فرزند، ۱۵ روز (نصف ماه) به حقوق کارگر افزوده می‌شود؛ گفتنی است شرط بهره‌مندی از کمک عائله‌مندی این است که اولاً کارگر حداقل ۷۲۰ روز سابقه بیمه

کمک
عائله‌مندی

اجباری داشته باشد (اعم از اینکه بیمه شده سابقه اخیر را در یک کارگاه کسب کرده باشد یا از مجموع فعالیت در چند کارگاه تحت پوشش صندوق تأمین اجتماعی) و گرنه کارفرما تکلیفی به پرداخت عائله‌مندی ندارد؛ ثانیاً سن فرزندان او از هجده سالگی کمتر باشد و یا منحصرأ به تحصیل اشتغال داشته باشند که در این صورت تا پایان اشتغال به تحصیل مشمول آن‌ها می‌شود و یا در اثر بیماری و یا نقص عضو، طبق گواهی کمیسیون‌های پزشکی موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی، قادر به کار نباشند).

۳۴- پایه سنواتی، مبلغی است که توسط شورای عالی کار برای هر سال مصوب می‌شود و بخشی از حقوق پایه است که به حداقل دستمزد اضافه می‌شود؛ بنابراین پایه سنواتی متفاوت از حق سنوات است؛ گفتنی است مطابق بخشنامه دستمزد سال ۱۴۰۱، به کارگرانی که در سال ۱۴۰۱ دارای یک‌سال سابقه کار شده و یا یک سال از دریافت آخرین پایه سنواتی آنان در همان کارگاه گذشته باشد (اعم از اینکه حق سنوات یا مزایای پایان کار خود را دریافت کرده باشند یا خیر)، ماهانه مبلغ ۲۱۰ هزار تومان نیز به عنوان پایه (سنوات) پرداخت خواهد شد.

۳۳- عیدی و پاداش سالانه: مبلغی معادل شست روز آخرین مزد ثابت کارگر مشروط بر اینکه از نود روز حداقل مزد روزانه قانونی بیشتر نشود (ماده واحده قانون مربوط به تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران ۱۳۷۰)؛ گفتنی است به کارگرانی که کمتر از یکسال کار کرده‌اند باید به نسبت کارکرد عیدی و پاداش پرداخت گردد.

۳۴- سنوات، مبلغی است که کارفرما باید در خاتمه رابطه کاری به کارگر بپردازد که مبلغ آن برای یکسال معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر است؛ بنابراین اگر شخصی ۳ سال کار کرده باشد و رابطه کاری وی خاتمه یابد و حقوق وی به ترتیب یک میلیون، یک و نیم میلیون و در

۱ . چنانچه زن و شوهری که دارای اولاد هستند هر دو مشغول به کار باشند، با جمع سایر شرایط، هر دو حق دریافت کمک عائله‌مندی را دارند ولو کارفرمای واحدی داشته باشند.

سال آخر دو میلیون باشد، کارفرما باید شش میلیون تومان به عنوان سنوات به کارگر پرداخت کند؛ به عبارت دیگر سنوات، مدت کارکرد کارگر ضربدر آخرین حقوق او است؛ گفتنی است با توجه به آخرین اصلاحات قانونی، به کارکرد کمتر از یکسال هم به نسبت کارکرد، سنوات تعلق می‌گیرد؛ بنابراین اگر شخصی تنها یک ماه کار کرده باشد، یک دوازدهم حقوق دریافتی به وی سنوات تعلق می‌گیرد (رجوع کنید به شماره ۵۸ همین فصل).^۱

۳۵- در خصوص اینکه پرداخت سنوات قطعی یا علی‌الحساب تلقی می‌شود دو فرض متصور است:

قطعی یا
علی‌الحساب
تلقی شدن
پرداخت
سنوات

الف) در مواردی که مدت قرارداد یکسال یا کمتر است، پرداخت سنوات در پایان قرارداد قطعی تلقی می‌گردد (رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شماره ۹۹۰۹۹۷۹۰۸۸۱۰۲۴۹ مورخ ۱۳۹۹/۲/۹).

ب) در مواردی که قرارداد دائمی یا موقت بیش از یکسال باشد؛ مبنای محاسبه سنوات، آخرین دستمزد دریافتی کارگر است و در صورتی که کارفرما در پایان هر سال سنوات پرداخته باشد، در زمان خاتمه قرارداد، باید «مابه‌التفاوت سنوات» سال‌های قبل را محاسبه و به کارگر پرداخت کند؛ به عبارت دیگر ملاک محاسبه قطعی سنوات، آخرین حقوق کارگر در تاریخ خاتمه و قطع همکاری است (دادنامه‌ی مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری).

مأخذ
محاسبه
سنوات

۳۶- مبنای محاسبه سنوات، صرفاً مزد ثابت است، نه حق‌السعی؛ زیرا حق‌السعی اعم از مزد و مزایای رفاهی است در حالی که مزایای رفاهی در محاسبه سنوات تأثیری ندارد (مواد ۲۴ و ۳۷ قانون کار) (ر.ک: ش ۲۱ همین فصل و دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۸۹۹ مورخ ۱۳۹۹/۸/۵).

۱. با توجه به رأی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ مبنی بر ابطال بندهای ۴ و ۵ دستورالعمل شماره ۱۷ اداره کار، به کارگرانی که ترک کار می‌نمایند هم حق سنوات تعلق می‌گیرد ولی امکان بازگشت به کار آن‌ها وجود ندارد (ر.ک: دادنامه شماره ۷۲۵ و ۷۲۶ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲).

۲. محاسبه سنوات در کارگاه‌های دارای طرح طبقه‌بندی مشاغل، فقط مزد مبنا نیست بلکه مزایای ثابت پرداختی به تبع شغل نیز باید مبنا قرار گیرد (دادنامه ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ شماره ۲۸۳۲) (ر.ک: ش ۵۳ همین فصل).

هیأت تخصصی کار، بیمه و تأمین اجتماعی دیوان عدالت اداری و دادنامه شماره ۲۱۰ مورخ ۱۴۰۰/۲/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر اصلاح دادنامه ۳۳۲۸-۱۳۹۸/۱۱/۲۹).

۳۷- مرخصی استحقاقی سالانه کارگران با استفاده از مزد و احتساب چهار روز جمعه، جمعاً یکماه است. سایر روزهای تعطیل جزء ایام مرخصی محسوب نخواهد شد؛ برای کار کمتر از یکسال، مرخصی مزبور به نسبت مدت کار انجام یافته محاسبه می‌شود (ماده ۶۴)؛ کارگر نمی‌تواند بیش از ۹ روز از مرخصی سالانه خود را ذخیره کند (ماده ۶۶).

مدت
مرخصی

۳۸- حق مأموریت: به کارگرانی که به موجب قرارداد یا موافقت بعدی به مأموریت‌های خارج از محل خدمت اعزام می‌شوند فوق‌العاده مأموریت تعلق می‌گیرد. این فوق‌العاده نباید کمتر از مزد ثابت یا مزد مبنای روزانه کارگران باشد. همچنین کارفرما مکلف است وسیله یا هزینه رفت و برگشت آنها را تأمین نماید. مأموریت به موردی اطلاق می‌شود که کارگر برای انجام کار حداقل ۵۰ کیلومتر از محل کارگاه اصلی دور شود و یا ناگزیر باشد حداقل یک شب در محل مأموریت توقف نماید (ماده ۴۶ قانون کار).

مأموریت

۳۹- کارفرما اصولاً در خصوص تأمین غذا یا پرداخت هزینه آن مسئولیتی ندارد (مفهوم مخالف ماده ۱۵۱ قانون کار).

تأمین غذا

۴۰- کارفرما اصولاً تکلیفی به تأمین وسیله نقلیه یا پرداخت هزینه یا مبلغی بابت ایاب و ذهاب ندارد مگر در صورت دوری کارگاه از محل سکونت کارگران و عدم تکافوی وسیله نقلیه عمومی که در این صورت کارفرما باید برای رفت و آمد کارگران خود وسیله نقلیه مناسب فراهم نماید (ماده ۱۵۲).

ایاب و
ذهاب

۴۱- کارفرما متعهد است پیش از استخدام کارگر، او را معاینه پزشکی نماید؛ چنانچه پس از استخدام، معلوم شود که افراد مذکور در حین استخدام قابلیت و استعداد کار ارجاعی را ندارند و کارفرما در معاینه پزشکی آنان کوتاهی کرده و بیمه‌شده دچار حادثه شده و یا بیماری‌اش شدت

لزوم معاینه
پیش از
استخدام

یافته و یا فوت نماید، سازمان تأمین اجتماعی به تکالیف خود در قبال بیمه شده عمل نموده و حسب مقررات مربوط نسبت به وصول خسارت ناشی از پرداخت مستمری‌ها و سایر حمایت‌ها به نفع بیمه شده از کارفرما اقدام می‌نماید (ماده ۹۰ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۹۲ قانون کار).

۴۲- طبق تبصره ماده ۱۰ قانون کار، قرارداد کار باید در چهار نسخه تنظیم شود که یک نسخه از قرارداد برای کارفرما، کارگر، اداره کار و شورای اسلامی کار است؛ منتها ماده اخیر ضمانت اجرا نداشته و معمولاً کارفرمایان قرارداد را صرفاً در یک نسخه تنظیم می‌کنند.

۴۳- معمولاً بهتر است که کارفرما با کارگر قرارداد مکتوب کار منعقد کرده و آن را به مدت زمان معینی محدود کند تا با اتمام مدت قرارداد بتواند نسبت به ادامه همکاری یا قطع آن تصمیم‌گیری نماید؛ اما در عمل، گاه کارفرمایان به تصور اینکه نداشتن قرارداد مکتوب به نفع

آن‌ها است از نوشتن قرارداد کار خودداری می‌کنند در این موارد چنانچه کارگر بتواند به استناد سایر ادله رابطه کاری را اثبات کند و طبیعت کار وی جنبه مستمر داشته باشد (مانند حسابدار یا مسئول دفتر)، قرارداد کار دائمی محسوب می‌شود (تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار؛ رأی ۲۱۴-

۱۳۹۲/۳/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری)؛ بنابراین کارفرما حق قطع ارتباط با چنین کارگری را ندارد؛ چنانچه کارفرما، کارگر اخیر را اخراج کند، کارگر می‌تواند با مراجعه به اداره کار، حکم بازگشت به کار بگیرد و در صورت امتناع کارفرما از اجرای حکم، مکلف است حقوق کارگر را تا تحقق یکی از عوامل خاتمه دهنده به قرارداد کار (از قبیل بازنشستگی، از کارافتادگی، فوت کارگر یا استعفا وی) به او بپردازد.

۱. البته صرف رسیدن به سن بازنشستگی موجب قطع رابطه کاری نیست و صرفاً کارفرما می‌تواند بازنشستگی بیمه‌شدگانی را که بعد از پنج سال پس از رسیدن به سن بازنشستگی، به کار خود ادامه داده‌اند را از ملزمت تأمین اجتماعی تقاضا نماید (ماده

**چند صفحه از فصل ششم
حقوق تأمین اجتماعی**

از ادارات سازمان تأمین اجتماعی لازم است که معامله اخیر در فهرست معاملات فصلی نیز ثبت شده باشد تا مشخص گردد که خرید مذکور صوری نبوده است.

۳۲- گاه متاسفانه اشخاص برای کم کردن مالیات هزینه‌های صوری و غیرواقعی درست می‌کنند که به دلایلی نظیر مستند نبودن، مورد قبول اداره مالیات قرار نمی‌گیرد اما همین هزینه‌ها از سوی سازمان تأمین اجتماعی مشمول حق بیمه قرار می‌گیرند؛ به عنوان مثال اگر مزد کارمند باشد مشمول ۳۰ درصد و اگر مزد غیر کارکنان باشد ممکن است مشمول ۱۶,۶۷ درصد حق بیمه گردد.

مستقل بودن
رسیدگی اداره
داریابی از تأمین
اجتماعی

۳۳- اگر کارفرما در زمان شروع تا خاتمه پیمان از طریق کد پیمان، بیمه کارکنان را رد کرده باشد، مبالغ پرداختی وی از حق بیمه متعلقه (حسب مورد ۷/۸ یا ۱۶/۶۷) کسر می‌شود ولی متاسفانه گاه کارفرمایان تحت عنوان کد کارگاه (شرکت) بیمه کارکنان را رد می‌کنند و امکان استفاده از مزیت اخیر را از دست می‌دهند.

مزیت رد کردن
بیمه از طریق
کد پیمان

۳۴- کارفرمایان کلیه کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی مصوب تیرماه سال ۱۳۵۴ مکلف‌اند صورت مزد و حقوق کلیه بیمه‌شدگان و حق بیمه و بیمه بیکاری مربوط به هر ماه را حداکثر تا پایان آخرین روز ماه بعد به سازمان تأمین اجتماعی ارسال و پرداخت نمایند.

لزوم اعلام
لیست بیمه و
پرداخت آن

۳۵- کارفرمایانی که از تنظیم و ارسال لیست بیمه (صورت مزد و حقوق بیمه‌شدگان) در موعد مقرر در این قانون، خودداری نمایند، ملزم به پرداخت جریمه نقدی مقطوع به میزان ده درصد حق بیمه همان ماه هستند (تبصره ۱ ماده ۱ قانون دریافت جرائم نقدی از کارفرمایان).

ضمانت اجرای
رد نکردن
لیست بیمه

۳۶- کارفرمایانی که در موعد مقرر در این قانون تمام یا قسمتی از حق بیمه و بیمه بیکاری مربوط به هر ماه را پرداخت نمایند علاوه بر تأدیه اصل حق بیمه و بیمه بیکاری ملزم به پرداخت جریمه نقدی مقطوع به میزان دو درصد تمام یا کسر بدهی قطعی پرداخت نشده به ازاء هر ماه تاخیر هستند (قانون دریافت جرائم نقدی از کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی که

ضمانت اجرای
عدم پرداخت
حق بیمه

ظرف مهلت مقرر نسبت به ارسال صورت مزد و حقوق بیمه‌شدگان و حق بیمه مربوط اقدام نمی‌نمایند مصوب ۱۳۷۳ و با اصلاحات ۱۳۸۷) (رجوع کنید به شماره ۴۶ همین فصل).^۱

۳۷- سازمان مکلف است به صورت مزد ارسالی از طرف کارفرما ظرف شش ماه از تاریخ وصول رسیدگی کند و در صورتی که از لحاظ تعداد بیمه‌شدگان یا میزان مزد یا حقوق یا مدت کار اختلافی مشاهده نماید مراتب را به کارفرما ابلاغ کند در صورتی که کارفرما تسلیم نظر سازمان نباشد می‌تواند از هیأت‌های تشخیص موضوع مواد ۴۳ و ۴۴ این قانون تقاضای رسیدگی کند (شایان ذکر است جرمیه مندرج در ماده ۱۰۱ قانون تأمین اجتماعی به موجب قانون دریافت جرائم نقدی از کارفرمایان نسخ شده است) (برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به شماره‌های ۳۵ و ۳۶ همین فصل).

۳۸- در مواردی که کارفرما شخص حقوقی مانند شرکت تجاری است، مطالبات سازمان منحصراً باید از محل دارایی‌های متعلق به شرکت وصول و برداشت شود و مدیران شرکت مسئولیتی ندارند چراکه شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقلی از سهامداران و مدیران است اما چنانچه شرکت مرتکب جرمی شود مانند اینکه شرکت برای شخصی به صورت صوری و برخلاف واقع حق بیمه پرداخت کند و موجبات بهره‌مندی شخص ثالث از مزایای قانون تأمین اجتماعی را فراهم سازد (ماده ۹۷)، مجازات ناشی از جرم اخیر (پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر خسارت وارده به سازمان و در صورت تکرار حبس از ۶۱ روز تا شش ماه) بر عهده مدیرعامل شرکت یا هر شخص دیگری خواهد بود که در اثر فعل یا ترک فعل او موجبات ضرر و زیان سازمان یا بیمه‌شدگان فراهم شده است (ماده ۱۰۹).

مهلت
سازمان
برای
رسیدگی به
لیست بیمه

وضعیت
مسئولیت
مدیران
شرکت‌ها

۱. در صورت نپرداختن حق بیمه کارکنان، اصولاً سازمان به کارگر مراجعه نکرده و کارفرما را بدهکار تلقی می‌کند حتی نسبت به هفت درصد سهم کارگر.

۳۹- مطابق تصویبنامه ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی به شماره ۵۰۴۳۲ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳۱ و بخشنامه شماره ۱۰۰۰/۹۶/۱۱۱۹ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۷ و بند الف از مصوبات پنجاه و هفتمین جلسه ستاد تسهیل و رفع موانع تولید مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۹، سازمان تأمین اجتماعی، تنها حق رسیدگی یکسال را دارد و حسابرسی ده ساله ممنوع است ولی در عمل، به واسطه‌ی استثنای متعدد و تفاسیر سلیقه‌ای، متأسفانه شعب سازمان تا ۱۰ سال گذشته را رسیدگی می‌کنند؛ به عبارت دیگر برای رسیدگی بیمه، مرور زمان یکساله در نظر گرفته شده است و سازمان حق دارد صرفاً حسابهای پارسال شرکت را بررسی کند و رسیدگی بیشتر خلاف مقرر اخیر و قابل اعتراض در هیات‌های تشخیص مطالبات و دیوان عدالت اداری است (ر.ک: بخشنامه ۱۰۰۰/۹۷/۲۴۴۰ مورخ ۱۳۹۷/۳/۵ در پیوست همین فصل).

عدم حق
رسیدگی برای
بیش از یکسال

۴۰- در صورتی که کارفرما به میزان حق بیمه و خسارات تاخیر تعیین شده از طرف سازمان معترض باشد می‌تواند حداکثر ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را کتباً به شعبه مربوطه سازمان تأمین اجتماعی تسلیم نماید (ماده ۴۲)؛ گفتنی است کارفرما می‌تواند اعتراض خود را به وسیله پست سفارشی دو قبضه هم به واحد مربوطه سازمان ارسال دارد؛ در اینصورت تاریخ قبض پستی، تاریخ اعتراض محسوب می‌شود (ماده ۲ آیین‌نامه هیات‌های تشخیص مطالبات مصوب ۱۳۷۳)؛ در صورت عدم اعتراض کارفرما در مهلت مقرر، تشخیص سازمان قطعی تلقی می‌شود و جهت وصول اقدام خواهد شد.

فرصت
اعتراض به
تصمیم
سازمان

۴۱- در صورت اعتراض کارفرما در مهلت مقرر، سازمان مکلف است اعتراض کارفرما را حداکثر تا یک ماه پس از دریافت آن در هیات بدوی تشخیص مطالبات مطرح نماید (ماده ۴۲)؛ رأی صادره از هیات‌های بدوی تشخیص مطالبات اصولاً ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ از سوی کارفرما و یا سازمان قابل تجدیدنظرخواهی است.

قابلیت
اعتراض به
تصمیم
سازمان تأمین
اجتماعی

۱. آراء هیات‌های بدوی در صورتی که مبلغ مورد مطالبه سازمان اعم از اصل و خسارات تا دو برابر حداقل دستمزد ماهانه در سال ۱۴۰۰ (یعنی معادل ۵۳/۱۰۹/۹۰۰ ریال) باشد و یا اینکه در مهلت بیست روزه به آن اعتراض نشود، قطعی و لازم‌الاجرا است اما اگر مبلغ مورد مطالبه بیش از ۵۳/۱۰۹/۹۰۰ ریال باشد، رأی قابل تجدیدنظرخواهی بوده و تجدیدنظرخواهی مانع اجرای رأی هیات بدوی است (قانون اصلاح مواد ۴۳، ۴۴، ۸۰ قانون تأمین اجتماعی ۱۳۷۶/۷/۲۷ و ماده ۶۸ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ۱۳۸۰ و تصویب‌نامه ۱۵-۱۴۰۰/۴/۴۰۶۰۱-۱۵ هیأت وزیران).

- ۴۲- پس از اعتراض به رأی هیات بدوی، پرونده به هیات تجدیدنظر که در مرکز هر استان مستقر است ارجاع می‌شود (قانون اصلاح ماده ۴۴ مصوب ۱۳۷۶) رأی صادره از هیات تجدیدنظر تشخیص مطالبات قطعی و لازم الاجرا است.
- ۴۳- تاریخ رسیدگی هیات بدوی یا تجدیدنظر به کارفرما ابلاغ می‌شود و کارفرما می‌تواند شخصاً یا با معرفی نماینده در جلسات رسیدگی شرکت کند.
- ۴۴- برای اعتبار آرای هیات‌های تشخیص مطالبات لازم است که تمام اعضای هیات بدوی (۴ نفر) و تجدیدنظر (۵ نفر) در جلسه رسیدگی حاضر بوده و جلسه به اتفاق اعضا تشکیل شود و حضور اکثریت کافی نیست (رای شماره ۲۸۰ مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۱ و رأی شماره ۱۰۷ مورخ ۱۳۷۹/۳/۸ هیات عمومی دیوان عدالت اداری)؛ در صورت عدم رعایت حد نصاب اخیر، رأی صادره قابل نقض در دیوان عدالت اداری خواهد بود.
- ۴۵- کارفرما می‌تواند به آرای قطعی هیات‌های بدوی یا تجدیدنظر تشخیص مطالبات، ظرف سه ماه به دیوان عدالت اداری اعتراض کند؛ شکایت در دیوان، مانع اجرای عملیات اجرایی سازمان تأمین اجتماعی نیست مگر اینکه شاکی تقاضای دستور توقف نموده و دیوان هم موافقت نماید.
- ۴۶- مطالبات سازمان تأمین اجتماعی بابت حق بیمه و خسارات و جرایم متعلقه، در حکم مطالبات مستند به اسناد لازم الاجرا بوده و سازمان می‌تواند بدون نیاز به مراجعه به دادگستری نسبت به صدور اجرائیه و وصول مطالبات خویش اقدام نماید (ماده ۵۰)؛ توضیح آنکه پس از قطعی شدن مطالبات، سازمان پیش از صدور اجرائیه مکلف است به شخص بدهکار کتباً اخطار نماید که ظرف ۴۸ ساعت از تاریخ ابلاغ، بدهی خویش را پرداخت نماید، در صورت عدم پرداخت، سازمان نسبت به صدور اجرائیه اقدام می‌نماید و چنانچه بدهکار ظرف سی روز از ابلاغ اجرائیه نسبت به پرداخت اقدام ننماید و یا جهت پرداخت آن با سازمان به توافقی نرسد و یا مالی که امکان وصول طلب از محل آن وجود داشته باشد معرفی نکند، سازمان نسبت به وصول طلب خود از اموال بدهکار اقدام خواهد کرد؛ همچنین سازمان می‌تواند پس از ابلاغ اجرائیه و پیش از انقضای مهلت سی روز، نسبت به بازداشت احتیاطی اموال بدهکار معادل مبلغ مورد اجرا به اضافه سی درصد اقدام نماید؛ البته برداشت وجه از حساب یا به فروش گذاشتن مال بازداشت شده منوط به انقضای مهلت سی روز است (مواد ۱۲ و ۱۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۵۰).

قطعی بودن
رأی هیات
تجدیدنظر

امکان حضور
در جلسات
رسیدگی

لزوم حضور
همه‌ی اعضا
برای رسمیت
جلسه

امکان اعتراض
نزد دیوان
عدالت اداری

نحوه وصول
مطالبات
سازمان

۴۷- شاکمی می‌تواند برای بهره‌مندی از تخفیفات بدهی مطالبه شده از سوی سازمان تأمین اجتماعی را طی لایحه‌ای پرداخت ولی در لایحه اخیر حق اعتراض در دیوان عدالت اداری را برای خود محفوظ نگه دارد.

شرایط
بهره‌مندی از
تخفیف

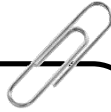
۴۸- مبداء شروع عملیات اجرایی برای وصول اصل طلب سازمان تأمین اجتماعی و همچنین جریمه تأخیر در پرداخت اصولاً از تاریخ صدور رأی قطعی است؛ در نتیجه کارفرما بابت تأخیر تا صدور رأی قطعی مشمول جریمه نخواهد شد؛ البته موضوع اخیر ناظر به بدهی است که توسط کارفرما ابراز نشده باشد وگرنه بدهی کارفرما قطعی تلقی شده و عدم پرداخت به موقع آن، مستوجب پرداخت جریمه تأخیر است؛ به عبارت دیگر مبدأ محاسبه جریمه تأخیر، از تاریخ قطعیت بدهی است و قطعیت بدهی ممکن است به واسطه ابراز کارفرما، عدم اعتراض به رأی هیئت بدوی در مهلت مقرر و یا صدور رأی از هیئت تجدیدنظر باشد.

نحوه محاسبه
جریمه تأخیر

۴۹- در مواردی که حق بیمه به صورت مضاعف توسط سازمان تأمین اجتماعی وصول شده است (مانند اینکه پیمانکار در راستای ماده ۳۸ قانون تأمین اجتماعی حق بیمه را پرداخت و مفاصا حساب گرفته باشد ولی به دلیل تأخیر در ارائه آن به کارفرما، سازمان تأمین اجتماعی کارفرما را بدهکار و حق بیمه مربوط به همان قرارداد را از وی مجدداً وصول نموده باشد) و یا اینکه اساساً بدهی مشمول بیمه نبوده باشد (مانند مطالبه حق بیمه بعد از تاریخ فوت بیمه شده و یا مطالبه حق بیمه شخصی که در خدمت نظام وظیفه بوده است و یا مطالبه حق بیمه بابت اعضای سایر صندوق‌های بیمه‌ای اعم از شاغل و بازنشسته بدلیل عدم شمول قانون تأمین اجتماعی بر آنها) کارفرما می‌تواند در صورت انطباق موضوع با ماده ۱۶ الحاقی به آیین‌نامه تشخیص مطالبات، تقاضای استرداد اضافه وجه پرداختی را بنماید.

نحوه استرداد
اضافه بیمه
پرداختی
(کمیسیون ماده
۱۶)

۱. اگر بدهی سازمان، پیش از صدور اجرائیه پرداخت شود، چهل درصد جریمه آن، بخشیده می‌شود (ماده ۳ قانون دریافت جرائم نقدی از کارفرمایان) وگرنه بخشودگی منتفی شده و کارفرما باید علاوه بر اصل و جرایم، یک بیستم هم به عنوان هزینه‌های اجرایی پرداخت کند که اصطلاحاً به آن نیم عشر اجرایی می‌گویند؛ البته اگر کارفرما، ظرف یک ماه از صدور اجرائیه بدهی خویش را پرداخت کند، نیم عشر نصف می‌شود یعنی یک چهلم می‌شود.



مبحث دوم: مقررات کاربردی
مرتبط با حقوق تأمین اجتماعی

**چند صفحه از فصل هفتم
حقوق مالیات**

۱۸- محاسبه مالیات بر حقوق، تابع معافیت سالانه است که در قانون بودجه به صورت سالیانه نحوه محاسبه مالیات بر حقوق تصویب می‌شود (ماده ۸۴)؛ زیرا حقوق دریافتی تا آن میزان، معاف و مازاد بر مبلغ اخیر، تابع نرخ تصاعدی است که سالانه اعلام می‌شود و حسب مورد مشمول مالیات به نرخ ۱۰ تا ۲۵ درصد است (ماده ۸۵).

۱۹- موارد زیر از پرداخت مالیات بر حقوق معاف هستند (ماده ۹۱):

موارد معاف از مالیات بر حقوق

- حق ماموریت
- عیدی سالانه یا پاداش آخر سال جمعاً معادل یک دوازدهم معافیت مالیاتی سالیانه (موضوع ماده ۸۴)
- مزایای غیرنقدی پرداختی به کارکنان حداکثر معادل دو دوازدهم معافیت مالیاتی سالیانه
- حق سنوات
- حقوق ایام مرخصی استفاده نشده

۲۰- در پرداخت به اشخاص حقیقی غیر از کارکنان که مشمول پرداخت کسور بازنشستگی بیمه نمی‌باشند، کارفرمایان مکلف هستند بدون رعایت معافیت حقوق سالیانه موضوع ماده ۸۴،

مالیات تکلیفی ماده ۸۶

مالیات به نرخ مقطوع ۱۰ درصد محاسبه و کسر و حداکثر تا پایان ماه بعد آن را به اداره امور مالیاتی محل پرداخت نمایند و گرنه مسئول مالیات و جرایم متعلقه خواهند بود (تبصره یک ماده ۸۶ اصلاحی ۱۳۹۶/۴/۲۷)؛ گفتنی است پرداخت‌هایی که موسسات آموزشی و پژوهشی دارای مجوز به اشخاص حقیقی (اعم از کارکنان و غیر کارکنان) در قالب حق التدریس انجام

۱. اگرچه نرخ مالیات بر حقوق بر مبنای ۸۵ قانون مالیات‌های مستقیم تعیین گشته ولی از سال ۹۵ هر ساله این نرخ بر قانون بودجه تعیین می‌گردد. بنابراین قانون بودجه ملاک عمل بوده و حکم فی الجمله ۸۵ موقوف‌الاثار می‌باشد؛ بدیهی است در صورتی که قانون بودجه سال‌های بعد حکمی در این خصوص وضع نگردد حکم موقوع بر مبنای ۸۵ ملاک عمل نخواهد بود. (در این مشاهده جدول مالیات بر حقوق سال ۱۴۰۱ رجوع کنید به پیوست همین فصل)

۲. کارت هدیه هم، غیرنقدی محسوب می‌شود مشروط بر اینکه نتوان با استفاده از آن از طریق خودپرداز وجه نقد گرفت و مستلزم خرید کالا و پرداخت از طریق دستگاه کارت خوان (POS) باشد.

می‌دهند، مشمول مالیات مقطوع به نرخ ۱۰ درصد و حق التحقیق یا حق پژوهش، مشمول مالیات به نرخ ۵ درصد خواهد بود (تبصره ۲ ماده ۸۶ اصلاحی ۱۳۹۶/۴/۲۷).

۲۱- وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و موسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها مکلف‌اند از جوهی که بابت حق‌الوکاله به وکلا پرداخت می‌کنند پنج درصد (۵٪) آن را کسر و بابت علی‌الحساب مالیاتی وکیل تا پایان ماه بعد به اداره امور مالیاتی محل پرداخت نمایند (تبصره ۲ ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم)؛ بنابراین در مواردی که موکل شخصی غیر از اشخاص بالا باشد نیازی به کسر مبلغی از حق‌الوکاله از سوی موکل نمی‌باشد و کافی است در راستای ماده ۱۶۹ صرفاً قرارداد با وکیل در فهرست معاملات فصلی اعلام گردد؛ همچنین قرارداد وکیل دادگستری (اعم از وکلای دادگستری مرکز به واسطه پرداخت حق بیمه به صندوق حمایت و یا مرکز وکلای موضوع ماده ۱۸۷ به واسطه قرارداد میان مرکز اخیر و سازمان تأمین اجتماعی و پرداخت حق بیمه) از شمول کسر حق بیمه خارج بوده و کافی است کارفرما مستندات اخیر را از وکیل دریافت و به سازمان تأمین اجتماعی ارائه نماید (جدول پیوست بخشنامه تنقیح و تلخیص ۱۱ جدید درآمد).

کسور
حق‌الوکاله

۲۲- در صورتی که به هر دلیلی مالیات اضافی دریافت یا پرداخت شود، مؤدی می‌تواند تقاضای استرداد اضافه مالیات پرداختی را بنماید (مواد ۸۷ و تبصره ۳ ماده ۱۰۵ و مواد ۱۵۹ و ۲۴۲ و رأی شماره ۲۴۲-۲۴۳ دیوان عدالت اداری)؛ در صورتی که اداره دارایی، به واسطه اشتباه محاسباتی، مبلغ اضافی را دریافت نماید مکلف است علاوه بر استرداد اصل وجه، خسارتی معادل یک و نیم درصد در ماه از تاریخ دریافت تا زمان استرداد به مؤدی بپردازد.

دریافت مبلغ
اضافی ناشی
از اشتباه
محاسباتی
سازمان

۱ - در صورتی که پس از ابطال تمبر، تعقیب دعوی به وکیل دیگری واگذار شود وکیل جدید مکلف به ابطال تمبر روی وکالت‌نامه مربوط نخواهد بود (تبصره ۳ ماده ۱۰۳ قانون مالیات‌های مستقیم).

۲۳- در خصوص مالیات‌های تکلیفی و علی‌الحساب‌های پرداختی که اضافه بر مالیات متعلقه باشد،

تکلیف سازمان
به استرداد مبلغ
اضافه دریافتی

اداره دارایی مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ درخواست مودی، اضافه پرداختی را مسترد کند و گرنه از تاریخ انقضای مهلت اخیر، مشمول خسارتی معادل یک و نیم درصد در ماه است.

۲۴- در خصوص مطالبه یا دعوی استرداد اضافه پرداختی مالیاتی دو فرض متصور است:

الف) پرداخت مبتنی بر اشتباه: به عنوان مثال در جایی که مؤدی از پرداخت مالیات معاف بوده ولی به دلیل جهل به قانون، آن را پرداخت می‌کند، استرداد وجه پرداختی مقید به مهلت نبوده و مؤدی می‌تواند پس از اطلاع از موضوع اخیر نسبت به مطالبه وجه اخیر اقدام کند.

مرور زمان
استرداد
اضافه
پرداختی

ب) پرداخت براساس قانون: گاه قانون اشخاص را مکلف می‌کند صرف نظر از مالیات نهایی مبالغی را به سازمان امور مالیاتی پرداخت نمایند (مانند مالیات بر حقوق) که در مثال اخیر چنانچه مالیات پرداختی بیش از مالیات متعلقه باشد استرداد منوط به مطالبه آن از سوی حقوق بگیر از اداره امور مالیاتی محل سکونت بعد از انقضای تیر ماه سال بعد تا آخر آن سال است؛ به عنوان مثال، اگر شخصی در نه ماه اول سال ۱۳۹۶ بیکار و بدون درآمد باشد و سپس از اول دی ماه بدون اینکه از کارکنان اصلی شرکت کارفرما باشد به وی مشاوره داده و شرکت اخیر مبلغ ماهانه ۵ میلیون تومان و جمعاً ۱۵ میلیون تومان بابت سه ماهه آخر سال به مشاور بپردازد، شرکت به عنوان پرداخت کننده حقوق به شخصی که مشمول قانون کار محسوب نمی‌شود باید از هر پرداختی طبق تبصره ۱ ماده ۸۶، ده درصد کسر نماید منتها چون اشخاص حقیقی معافیت سالانه حقوق دارند و ۱۵ میلیون درآمد وی کمتر از معافیت سالانه حقوق در سال ۱۳۹۶ است؛ بنابراین مشاور اخیر می‌تواند حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۷ از اداره دارایی محل سکونت خود تقاضای استرداد اضافه مالیات پرداختی (در مثال مطروحه یک و نیم میلیون تومان) را بنماید و در صورت انقضای سه ماه از تاریخ مطالبه، اداره دارایی وجه اخیر را مسترد نکند، علاوه بر لزوم استرداد وجه باید ماهانه یک و نیم درصد یک و نیم میلیون تومان را به عنوان خسارت به مؤدی بپردازد.

۲۵- صاحبان مشاغل مکلف‌اند ظرف چهار ماه از تاریخ شروع فعالیت مراتب را کتباً به اداره امور مالیاتی محل اعلام نمایند؛ عدم انجام دادن تکلیف فوق در مهلت مقرر مشمول جریمه‌ای معادل ده درصد مالیات قطعی و نیز موجب محرومیت از کلیه تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی تا تاریخ شناسایی توسط اداره امور مالیاتی خواهد بود؛ این حکم در مورد صاحبان مشاغلی که برای آن‌ها از طرف مراجع ذیربط، پروانه یا مجوز فعالیت صادر گردیده است و همچنین اشخاص حقوقی اجرا نمی‌شود (تبصره ۳ ماده ۱۷۷).

لزوم اعلام
شروع به
فعالیت

۲۶- نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه‌ای می‌باشد به شرح زیر است (ماده ۱۳۱):

- تا میزان پنجاه میلیون تومان درآمد مشمول مالیات، به نرخ ۱۵ درصد
 - نسبت به مازاد پنجاه میلیون تومان تا میزان یکصد میلیون تومان، به نرخ بیست درصد
 - نسبت به مازاد یکصد میلیون تومان به نرخ ۲۵ درصد
- نرخ مالیات بر
درآمد اشخاص
حقیقی
(مالیات مشاغل)
- بنابراین اگر درآمد مشمول مالیات سالانه شخص حقیقی ۲۰۰ میلیون تومان باشد، مقدار مالیات قابل پرداخت ۴۲,۵۰۰,۰۰۰ تومان است.

۲۷- مالیات از سود گرفته می‌شود، نه از درآمد؛ بنابراین اگر شرکتی ۱۰۰ میلیون درآمد دارد باید هزینه‌ها از آن کسر شود و سپس مالیات از آن گرفته شود؛ متنها عبارتی که در قانون مأخذ مالیات بر درآمد استفاده شده است و مأخذ مالیات بر درآمد است، درآمد «مشمول مالیات» می‌باشد؛ در تعریف این عبارت باید گفت که منظور از آن همان سود است منهای معافیت‌های قانونی.

• درآمد - هزینه‌های قابل قبول و استهلاکات = سود

• سود - معافیت‌های قانونی = درآمد مشمول مالیات

۲۸- شرکت‌های مدنی که فاقد شخصیت حقوقی مستقل از شرکاء هستند (اگر شرکا حقیقی باشند) تابع مالیات بر اشخاص حقیقی (مالیات بر مشاغل) هستند (تبصره ماده ۹۳) و حداکثر ۲ مدنی

مالیات
شرکت‌های
مدنی

معافیت سالانه به آنها تعلق می‌گیرد که به صورت مساوی بین شرکا تقسیم می‌شود؛ اگر شرکاء زن و شوهر باشند، از لحاظ استفاده از معافیت در حکم یک شریک تلقی و معافیت مقرر به زوج اعطا می‌شود (تبصره یک ماده ۱۰۱).

۲۹- نرخ مالیات اشخاص حقوقی، ۲۵٪ است؛ موسسات غیرتجاری انتفاعی مثل موسسات حقوقی یا حسابرسی هم مانند شرکت‌های تجاری مشمول نرخ ۲۵٪ هستند (ماده ۱۰۵ و تبصره آن)؛ بنابراین از حیث مالیات، طبق قانون، تفاوتی بین شرکت با مسئولیت محدود با سهامی خاص و یا موسسه غیرتجاری انتفاعی وجود ندارد.

نرخ مالیات
بر اشخاص
حقوقی

۳۰- هزینه‌های قابل قبول جهت تشخیص درآمد مشمول مالیات باید دارای شرایط زیر باشند (مواد ۱۴۷ و ۱۴۸):

یک- در حدود متعارف، متکی به مدارک باشد؛ لازم نیست که هزینه‌ها به اندازه متعارف باشند بلکه لازم است هزینه به هر میزان که باشد متکی به اسناد و مدارک مثبت باشد؛ به عبارت دیگر، گاه برخی هزینه‌ها عرفاً فاقد مدرک مثبت هستند مانند تاکسی که در خیابان گرفته می‌شوند و راننده عرفاً فاکتور قانونی ارائه نمی‌دهد.

شرایط
هزینه‌های
قابل قبول

دو- منحصراً مربوط به تحصیل درآمد موسسه در دوره مالی مربوطه باشد؛ البته مطابق بند ۲۷ ماده ۱۴۸، هزینه‌های قابل قبول مربوط به سال‌های قبل که پرداخت یا تخصیص آن در سال مالیاتی مورد رسیدگی تحقق یابد نیز از موارد هزینه‌های قابل قبول تلقی می‌گردد.

سه- رعایت حدنصاب‌های قانونی؛ به عنوان مثال هزینه خرید کتاب و سایر کالاهای فرهنگی و هنری برای کارکنان و افراد تحت تکفل آنها تا میزان حداکثر ۵ درصد معافیت مالیاتی موضوع ماده ۸۴ به ازای هر نفر.

چهار- پرداخت از طریق سیستم بانکی (مانند پرداخت از طریق صدور چک) برای مبالغ ۵۰ میلیون ریال و بالاتر (رجوع کنید به بخشنامه ۲۰۰/۹۶/۱۳۱ سال ۱۳۹۶).

پنج- از مصادیق هزینه‌های مندرج در ماده ۱۴۸ باشد.

**چند صفحه از فصل هشتم
حقوق مالکیت فکری**

۲۹- علامت در نظام حقوقی ایران، الزاماً باید نشان «قابل رؤیت» باشد؛ بنابراین علامت تجاری می‌تواند شامل تصویر، عدد، حروف یا ترکیبی از این‌ها باشد ولی علامت تجاری که شامل نشان‌های بویایی (مانند توپ تنیس که بوی چمن طبیعی می‌دهد) یا موسیقایی (مانند آهنگ گوشی تلفن همراه در هنگام روشن شدن) باشد در ایران (برخلاف برخی از کشورهای دیگر) قابل ثبت نیست (ماده ۳۰).

لزوم قابل
رؤیت بودن
علامت

۳۰- قانون‌گذار ایرانی به مانند ماده ۶ کنوانسیون پاریس، صراحتاً ملاکی را برای تشخیص علامت‌های مشهور معرفی نکرده است و نتیجتاً تشخیص علامت مشهور بر عهده مقام صلاحیت‌دار اداری یا قضایی است که می‌خواهد در خصوص حمایت یا عدم حمایت از یک علامتی که ادعا شده است مشهور است اظهار نظر نماید؛ گفتنی است اگر دارنده یک علامت تجاری (اعم از ایرانی یا خارجی) که مدعی مشهور بودن علامت خویش است بخواهد در ایران به تقاضای ثبت علامت اعتراض کند یا ثبت علامت معارض را ابطال نماید، باید اثبات کند که علامت مذکور در ایران مشهور است و مشهور بودن علامت در خارج از ایران ملاک عمل مرجع صلاحیت‌دار ایرانی نیست (بنده ماده ۳۲).

ملاک
تشخیص
علامت
مشهور

۳۱- علامت‌های مشهور از دو حمایت اضافی نسبت به سایر علامت‌ها برخوردار هستند: اول اینکه بدون ثبت هم تحت حمایت هستند و شخص دیگری نمی‌تواند عین یا مشابه علامت مشهور را برای همان کالا یا خدمات ثبت کند؛ ثانیاً حتی اگر علامت مشابهی که تقاضای ثبت آن شده برای کالا و خدمات غیرمشابه باشد ولی موجب ورود لطمه و کاهش اعتبار علامت مشهور شود باز هم تحت شرایطی، ثبت آن ممکن نیست (بند "ه" و "و" ماده ۳۲).

حمایت اضافی
از علائم
مشهور

۱. در متن قانون ایران، از عبارت "علامت معروف" استفاده شده است که در خصوص مفهوم آن اختلاف نظر وجود دارد؛ به اعتقاد برخی، علامت معروف مترادف با علامت مشهور بوده و به اعتقاد برخی دیگری، علامت معروف، مابین علامت‌های غیرمشهور و مشهور قرار دارد؛ تفسیر اخیر موجب گسترش قلمرو قانون می‌شود.

۲. مزیت دوم در ظاهر قانون محدود به خدمات شده است که فاقد توجیه منطقی است و ملاک آن در خصوص علامت‌های تجاری مشهوری که برای معرفی کالا هم به کار می‌روند قابل استفاده است.

۳۲- یکی از اشتباهات رایج شرکت‌های اعطاکنندگی نمایندگی، عدم ثبت علامت خویش در کشور نماینده است؛ به عنوان مثال اگر یک شرکت ایتالیایی در خصوص محصول خویش به یک ایرانی نمایندگی دهد، ممکن است نماینده ایرانی مبادرت به ثبت علامت شرکت ایتالیایی به نام خود نماید و پس از انحلال رابطه نمایندگی، مانع عرضه محصول شرکت ایتالیایی از مجرای غیر از خود شود؛ نظر به اینکه اصل بر حمایت از شخصی است که علامت را ثبت نموده است، ابطال علامت ثبت شده توسط نماینده در چنین فرضی ممکن است برای شرکت اصلی دردسرساز باشد؛ به‌ویژه اینکه قانون ثبت علائم تجاری ۱۳۸۶ ایران در خصوص چنین سوءاستفاده‌ای از سوی نماینده ساکت است؛ با وجود این، می‌توان سوءاستفاده نماینده را منطبق با بند ۱ ماده ۶ و بند ۲ ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس که ایران نیز عضو آن است دانست (ماده ۹ قانون مدنی) و برای صاحب اصلی علامت حق اعتراض را به رسمیت شناخت.

۳۳- از آن جایی که کارکرد اصلی علامت تجاری، متمایز کردن کالا و خدمات از یکدیگر است، اولین شرط لازم برای ثبت علامت، قابلیت تمیزدهندگی آن است (بند الف ماده ۳۲)؛ بنابراین علامت‌هایی که فاقد قوه تمیزدهندگی بوده و جنبه عام یا توصیفی دارند اصولاً قابل ثبت نمی‌باشند؛ به عنوان مثال واژه "خوشمزه" به تنهایی برای محصول خوراکی قابل ثبت نیست زیرا

"خوشمزه" یک واژه توصیفی است و معمولاً قدرت تمیزدهندگی برای مصرف‌کننده عادی را لزوم قابلیت تمیزدهندگی علامت ندارد یا واژه "انتشارات" به تنهایی قابل ثبت نیست زیرا واژه عام بوده و فاقد صفت مشخصه است و یا واژه "موبایل" به تنهایی برای تلفن همراه قابل ثبت نیست زیرا صرفاً بیان‌کننده جنس محصول است؛ البته گاهی به دلیل عدم ارتباط واژه‌های اخیر با ماهیت کالا یا خدمت، ثبت آن به عنوان علامت ممکن می‌گردد مانند واژه سیب (Apple) برای موبایل؛ یا "شیرین عسل" برای بیسکویت؛ به نظر می‌رسد که ثبت شیرین عسل، به دلایل پیش‌گفته، برای محصول "عسل" ممکن نباشد؛ با وجود این، یکی از دلایل دیگر امکان ثبت واژگان توصیفی یا عام، کثرت استعمال و شهرت آن است؛ به عنوان مثال، به کارگیری واژه "انتشار" از سوی "شرکت سهامی

ضرورت ثبت
علامت در
اعطای
نمایندگی

انتشار" به دلیل شهرت، در نظر مخاطب عادی، وصف تمیزدهندگی از سایر انتشارات را دارد در حالیکه اگر فاقد شهرت بود به نظر قابل ثبت نمی‌رسید.

۳۴- علامت تجاری که تقاضای ثبت آن می‌شود نباید قبلاً ثبت شده یا مشابهت گمراه‌کننده‌ای با علامت‌های پیشین داشته باشد و گرنه قابل ثبت نیست؛ ملاک مشابهت گمراه‌کننده، مصرف‌کننده معمولی و متعارف است.

لزوم
گمراه‌کننده
نبودن علامت

۳۵- در رویه عملی اداره ثبت علائم ایران، ثبت علائم تجاری، مستلزم ارائه مجوزی جهت فعالیت‌های متقاضی در طبقه مورد تقاضا است؛ توضیح آن که علامت‌های تجاری در ۴۵ طبقه تقسیم شده‌اند که متقاضی باید مشخص کند که در چه طبقه یا طبقاتی تقاضای حمایت دارد و باید متناسب با طبقه انتخابی مجوز فعالیت ارائه کند؛ به عنوان مثال، اگر شخصی بخواهد علامتی را در طبقه ۴۵ که مربوط به خدمات حقوقی است ثبت کند باید مجوز فعالیت در امور حقوقی (نظیر پروانه وکالت) ارائه کند؛ البته واقعیت این است که در آیین‌نامه سخنی از ضرورت ارائه مجوز نیامده است بلکه متقاضی باید مدرکی دال بر فعالیت در آن زمینه ارائه کند که ارائه مجوز یکی از قراین این موضوع است؛ لذا مدرک تحصیلی مرتبط هم می‌تواند تحت شرایطی همین اثر را داشته باشد؛ به ویژه اینکه برای اشتغال به برخی مشاغل گرفتن مجوز لازم نیست.

لزوم ارائه
مدرکی دال بر
فعالیت

۳۶- برخلاف اختراع، افشاء شدن علامت تجاری پیش از تقاضای ثبت، مانع ثبت آن نیست.

۳۷- در رویه عملی، ثبت علامت غیرفارسی (اعم از انگلیسی، فرانسوی، عربی و ...) اصولاً منوط به ارائه کارت بازرگانی است مگر اینکه آن واژه در زبان فارسی متداول شده باشد؛ مانند کلمه سماور که واژه روسی است ولی در زبان فارسی متداول است و نیازی به کارت بازرگانی ندارد؛ در این خصوص فرقی ندارد که متقاضی ثبت، واژه غیرفارسی (مانند Carpet) را با حروف انگلیسی (Carpet) نوشته باشد یا با حروف فارسی (کارپت)، هر دو مستلزم کارت بازرگانی

ثبت علامت
لاتین یا
فینگلیش

است؛ گفتنی است اگر واژه فارسی نظیر آسمان به صورت فینگلیش نوشته شود (aseman) تقاضای ثبت آن نیاز به کارت بازرگانی ندارد ولی باید واژه فارسی و فینگلیش آن، به صورت توأمان تقاضای ثبت شود و نوشتار فارسی باید بزرگتر از نوشتار فینگلیش آن باشد.

۳۸- رویه عملی ثبت علامت تجاری به این شکل است که اول متقاضی به سایت iripo.ssaa.ir مراجعه کرده، سپس اظهارنامه علامت تجاری را تکمیل و ضمائم آن (شامل اسناد هویتی متقاضی، مجوز فعالیت و تصویر علامت درخواستی) را ارسال کرده و شماره اظهارنامه خود را دریافت می‌کند که از همین تاریخ (تاریخ ارسال اظهارنامه) متقاضی تحت حمایت است (مشروط بر اینکه تقاضا منتج به ثبت شود)؛ سپس کارشناس اداره، اظهارنامه را با توجه به قانون ثبت علائم تجاری (۱۳۸۶) به ویژه ماده ۳۲ آن، بررسی کرده و اگر ایرادی وجود نداشته باشد، اطلاعیه پذیرش صادر شده و متقاضی باید با حضور در اداره مرکز مالکیت معنوی نسبت به تشکیل پرونده و ارایه مدارک برابر با اصلی که قبلاً آن‌ها را از طریق سایت ارسال نموده اقدام کرده و متعاقب آن، هزینه نشر آگهی را پرداخت کند، پس از نشر آگهی تحت عنوان آگهی تقاضای ثبت علامت تجاری در روزنامه رسمی، اگر شخصی ظرف ۳۰ روز اعتراضی نکند، مجدداً با واریز هزینه توسط متقاضی، برای نوبت دوم علامت تجاری (تحت عنوان آگهی رسمی ثبت علامت تجاری) منتشر شده و سپس متقاضی می‌تواند گواهی ثبت علامت تجاری خویش را از اداره علائم تجاری دریافت کند.

رویه عملی
ثبت علامت
تجاری

۱. در مواردی که تقاضای ثبت علامت تجاری برای ارائه خدمات باشد (نه کالا) و ماهیت خدمات دارای جنبه داخلی و بین‌المللی باشد مانند تورها و آژانس‌های مسافرتی، ثبت علامت غیرفارسی از سوی متقاضی نیازی به کارت بازرگانی ندارد.

۳۹- اگر شخصی ظرف سی روز از انتشار آگهی تقاضای ثبت علامت تجاری، به تقاضای اخیر

اعتراض نماید، متقاضی باید حداکثر ظرف ۲۰ روز از ابلاغ اعتراض اخیر به وی پاسخ و دلایل

اعتراض ثالث خویش را اعلام کند، در غیر اینصورت عدم پاسخ به منزله پذیرش و تمکین به اعتراض بوده و به آگهی

پرونده ثبت مخومه می‌گردد اما در صورتی که متقاضی ظرف مهلت ۲۰ روزه بر ثبت خویش تقاضای ثبت علامت تجاری

اصرار نماید، معترض باید حداکثر ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ پاسخ متقاضی، تقاضای

ارجاع امر به کمیسیون ماده ۱۷۰ را نماید؛ تصمیم کمیسیون اعم از پذیرش یا رد اعتراض، ظرف

۶۰ روز قابل اعتراض در دادگاه عمومی است؛ اگر اعتراض در کمیسیون رد شود و معترض

ظرف مهلت به دادگاه مراجعه نکند، متقاضی با ارائه گواهی مبنی بر عدم تقدیم دادخواست از

دادگاه، می‌تواند تقاضای ادامه عملیات ثبت را بنماید (ماده ۱۲۵ آیین‌نامه).

۴۰- اگر کارشناس اداره، اظهارنامه را واجد ایراد شکلی بداند، اختاریه‌ای را برای متقاضی

ارسال و وی ۳۰ روز از ابلاغ فرصت رفع آن را دارد، اگر متقاضی ایراد شکلی را برطرف کند،

کارشناس وارد رسیدگی ماهوی خواهد شد و در صورتی که علامت را قابل ثبت نداند اخطار

رد برای متقاضی ارسال کرده و متقاضی می‌تواند به تشخیص خود، حسب مورد ظرف ۳۰ روز از اعتراض به اخطار رد اداره

ابلاغ، به اخطار رد صادره از سوی کارشناس، به کمیسیون ماده ۱۷۰ آیین‌نامه مستقر در همان ثبت علائم

اداره ثبت اعتراض کند و یا ظرف دو ماه، طی دادخواستی به اخطار رد صادره از اداره ثبت در

دادگاه عمومی حقوقی اعتراض نماید؛ در عمل اگر متقاضی می‌خواهد مستقیماً به دادگاه

دادخواست بدهد، از باب احتیاط بهتر است این اقدام را پس از گذشت سی روز و پیش از اتمام

مهلت دو ماهه انجام دهد.

۴۱- در صورتی که شخصی بخواهد گواهی علامت ثبت صادره از اداره ثبت را ابطال نماید باید

دادخواست خود را به دادگاه عمومی حقوقی تقدیم نماید (در عمل، شعبه سوم دادگاه عمومی شرایط طرح

حقوقی تهران مستقر در مجتمع قضایی شهید بهشتی به دعاوی اخیر رسیدگی می‌نماید)؛ در دعوی ابطال

صورتی که مستند معترض گواهی ثبت یا اظهارنامه مقدم نباشد (به عنوان مثال ادعای استعمال علامت ثبت شده

مقدم یا مشهور بودن علامت خویش را داشته باشد)، حتماً باید قبل یا همزمان با دادخواست، اظهارنامه ثبت علامت خویش را به اداره ثبت علائم تجاری تسلیم نماید وگرنه به دلیل عدم رعایت شرایط شکلی طرح دعوی، دعوی وی رد خواهد شد (ماده ۱۲۵ آیین نامه)؛ در صورتی که خواهان ابطال علامت ثبت شده مدعی باشد که اساساً ثبت چنین علامتی برای هر شخصی غیرقانونی است (مانند عام بودن علامت یا خلاف نظم عمومی بودن) دیگر تسلیم اظهارنامه مقدم بر دادخواست موضوعیتی ندارد.

۴۲- اگر شخصی علامتی را ثبت کرده ولی به مدت ۳ سال از آن استفاده ننماید هر ذینفع از علامت می تواند تقاضای ابطال آن را از دادگاه بنماید (ماده ۴۱).

۴۳- نشانه جغرافیایی نشانه‌ای است که مبدأ کالایی را به قلمرو، منطقه یا ناحیه از کشور منتسب می سازد، مشروط به اینکه کیفیت و مرغوبیت، شهرت یا سایر خصوصیات کالا اساساً قابل انتساب به مبدأ جغرافیایی آن باشد (ماده ۱ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی) مانند چاقوی زنجان، انار یزد یا فرش کاشان.

۴۴- نشانه‌های جغرافیایی اعم از اینکه ثبت شده یا نشده باشد، تحت حمایت هستند (بند الف ماده ۳)؛ هر شخص که در مکان جغرافیایی مندرج در اظهارنامه به تولید کالای مذکور مشغول است یا هر مرجع صلاحیت دار در امر تولید، توزیع و سیاست گذاری کالای مذکور می تواند تقاضای ثبت نشانه‌های جغرافیایی را از اداره ثبت بخواهد؛ تولیدکنندگان در صورتی که کالایشان دارای کیفیت، مرغوبیت و سایر خصوصیات مربوط به نشان تجاری باشد، می توانند از نشان‌های جغرافیایی ثبت شده استفاده نمایند.

۴۵- برخلاف علامت تجاری، نام‌های تجاری بدون ثبت هم تحت حمایت قرار دادند (ماده ۴۷ و ماده ۸ کنوانسیون پاریس) و ثبت آن‌ها اصولاً اختیاری است (ماده ۵۶۷ قانون تجارت)؛ با وجود

شرایط
استفاده از
نشانه‌های
جغرافیایی
حمایت از نام
تجاری

این، نظر به اینکه عملاً سازو کاری برای ثبت نام تجاری در ایران وجود ندارد، اشخاص برای حمایت از نام تجاری، آن را تحت عنوان علامت تجاری ثبت می نمایند.

۴۶- ممکن است نام شرکت با اسم تجاری او و علامت تجاری اش یکی باشد مثل شرکت «Sony» و ممکن است این ۳ عنوان با هم یکی نباشد و نام شرکت با اسم تجاری او و علامتش متفاوت باشد؛ گفتنی است نام شرکت که در اداره ثبت شرکتها ثبت می شود قابل انتقال نیست ولی اسم تجاری و علامت تجاری تحت شرایط ماده ۴۹ قانون ثبت علائم و نامهای تجاری (۱۳۸۶) قابل انتقال به دیگری است.

نام شرکت،
نام تجاری و
علامت تجاری

۴۷- در حال حاضر، میان اداره تعیین نام اداره ثبت شرکتها و اداره ثبت علائم تجاری مرکز مالکیت معنوی ارتباط خاصی وجود ندارد؛ بنابراین ممکن است شخصی نام شرکتی را به عنوان علامت ثبت کند و یا برعکس؛ بدیهی است تعیین نام در اداره ثبت شرکتها، زمانی موضوعیت دارد که متقاضی به دنبال ایجاد یک شخصیت حقوقی باشد اما ثبت علامت تجاری ارتباطی به موضوع اخیر ندارد و شخصی حقیقی می تواند علامتی را برای کالا یا خدمات خویش ثبت کند بدون اینکه نیازی به تأسیس شرکت باشد.

مستقل بودن
اداره تعیین
نام شرکت از
اداره علائم

۴۸- ثبت نام تجاری متفاوت از ثبت نام تاجر در دفتر ثبت تجاری است؛ اولاً ثبت نام تجاری اصولاً اختیاری است در حالی که کلیه تاجر مکلف هستند نام و نام خانوادگی خویش را در دفتر ثبت تجاری ثبت نمایند، ثانیاً نام تجاری می تواند متفاوت از نام هویتی شخص باشد در حالی که در هنگام ثبت نام در دفتر ثبت تجاری باید اوراق هویتی تاجر (اگر شخص حقیقی است طبق کارت ملی و اگر حقوقی است طبق نام مندرج در روزنامه رسمی) ذکر شود؛ ثالثاً با فوت تاجر، نام وی از دفتر ثبت تجاری حذف می شود در حالی که نام تجاری با فوت صاحب آن از بین نمی رود و به ارث می رسد.

تفاوت ثبت
نام تجاری با
ثبت نام در
دفتر ثبت
تجاری

۱. البته روشن است که کارکرد نام تجاری با علامت تجاری متفاوت است زیرا نام تجاری برای معرفی شخص تاجر و تجارتخانه است درحالیکه علامت تجاری برای شناساندن کالا و یا خدمات خاصی است.

**چند صفحه از فصل نهم
حقوق تجارت الکترونیکی**

۹- مدیریت جهانی نام دامنه‌ها با سازمانی به نام آیکان (ICCAN) بوده که در آمریکا مستقر است و ایرنیک (IRNIC) نماینده آیکان در ایران است؛ در زمان ثبت نام دامنه IR نزد مرجع ثبت (ایرنیک)، متقاضی باید شیوه‌نامه حل اختلاف در زمینه ثبت نام دامنه با پسوند دات آی آر را به عنوان یک پیش شرط اجباری بپذیرد تا در صورت بروز اختلاف میان دارنده نام دامنه و هر شخص دیگری (به غیر از مرجع ثبت)، رأی مرجع حل و فصل اختلاف را بپذیرد؛ پذیرش صلاحیت هیأت رسیدگی اداری یا مقام منفردی که توسط مرجع حل اختلاف منصوب می‌شود، نافی صلاحیت دادگاه ایرانی یا نهاد داوری صالح نخواهد بود؛ محدوده صلاحیت هیأت رسیدگی اداری، صرفاً ناظر به ابطال نام دامنه متعلق به دارنده یا انتقال نام دامنه به نام خواهان است؛ بنابراین هیأت اخیر صلاحیتی برای صدور رأی به خسارت ندارد؛ رسیدگی در آیکان به صورت غیر حضوری و از طریق تبادل لایحه به وسیله‌ی ایمیل است؛ اگر هیأت رسیدگی اداری چنین تصمیم بگیرد که نام دامنه باید ابطال یا منتقل گردد، مرکز ثبت (ایرنیک) پس از ده روز کاری از زمان وصول تصمیم هیأت، آن را اجرا خواهد کرد مگر اینکه دارنده نام دامنه، گواهی مبنی بر طرح دعوی در دادگاه علیه خواهان به ایرنیک ارائه کند که در این صورت، رأی هیأت تا تصمیم قطعی دادگاه متوقف خواهد ماند؛ مطلب اخیر، ناظر به نام دامنه با پسوند IR است و گرنه در خصوص سایر پسوندها مانند COM، تصمیم آیکان رأساً اجرا می‌گردد و ارتباطی به ایرنیک ندارد.

مرجع حل و فصل اختلافات نام دامنه

۱۰- اگر علیه شخصی که نام دامنه را ثبت کرده است در آیکان طرح دعوی شود، برای اینکه

دعای راجع آیکان رأی علیه خواننده (RESPONDENT) صادر نماید، خواهان به نام دامنه‌ی

اینترنی (COMPLAINANT) باید سه امر را توأمان اثبات نماید: اول اینکه نام دامنه خواننده به نحو

گمراه‌کننده‌ای شبیه علامت تجاری خواهان است؛ دوم اینکه خواننده حق قانونی جهت استفاده از

۱. در صورتی که خواهان نتواند شرط اول را اثبات کند دیگر مرجع رسیدگی شرط دوم و سوم را بررسی نکرده و دعوی خواهان را رد می‌کند.

آن نام دامنه را ندارد؛ سوم اینکه خواننده نام دامنه را با سوءنیت ثبت و استفاده می‌نماید. (پاراگراف (a) 4 از سیاست نامه) (برای مشاهده‌ی نمونه، مراجعه کنید به رأی صادره در پرونده شکایت موسسه آمریکایی PMI راجع به سایت PMPIRAN.COM مندرج در سایت dadbanan.ir).

۱۱- نام دامنه از چند جهت با علامت تجاری متفاوت است:

اول نام دامنه، یک نشانی اینترنتی است که جهت سهولت دسترسی به صفحه اینترنتی ایجاد شده است: یعنی به جای اینکه شخص عدد ۴۰,۳۰,۲۰۱,۱۷۰ را وارد کند عبارت FarhadBayat را تایپ می‌کند که ماندگاری آن در ذهن راحت‌تر است ولی فلسفه اصلی علامت تجاری، تمیز دادن کالا و خدمات اشخاص از یکدیگر است.

تفاوت نام
دامنه با
علامت تجاری

دوم- نام دامنه یک نام منحصر به فرد در کل جهان است و امکان ثبت یک نام دامنه توسط شخص دیگری در هیچ کجای جهان وجود ندارد مگر اینکه پسوند نام دامنه تغییر کند (مثلاً اگر FarhadBayat.com ثبت شده باشد، دیگر در هیچ کجای دنیا قابل ثبت توسط دیگری نیست ولی ثبت FarhadBayat.ir مانعی ندارد؛ ولی علامت تجاری ممکن است به دو دلیل توسط دیگری ثبت شود؛ اول اینکه علامت تجاری در یک طبقه خاص ثبت شده باشد که در این صورت ثبت همان علامت در طبقات دیگر اصولاً منعی ندارد (مثلاً شخصی علامت خاصی را در طبقه ۴۵ (خدمات حقوقی) ثبت کند و دیگری همان علامت را در طبقه ۳۵ (کسب و کار) ثبت کند)؛ دوم اینکه اگر علامت خاصی صرفاً در ایران ثبت شده باشد، مانع ثبت همان علامت در سایر کشورها نیست.

سوم- امکان ثبت یک نام دامنه با مالکیت مشترک به لحاظ فنی وجود ندارد ولی یک علامت تجاری را می‌شود به صورت مشترک بین دو یا چند نفر با قدر سهم مساوی یا متفاوت ثبت نمود. چهارم- در صورت عدم استفاده از علامت ظرف سه سال، هر ذینفع می‌تواند تقاضای ابطال آن را بنماید ولی عدم استفاده از نام دامنه چنین خطری ندارد.

پنجم_ نام دامنه صرفاً می تواند متضمن عدد یا حروف یا خط تیره (-) یا ترکیبی از آن‌ها باشد ولی علامت تجاری می تواند علاوه بر عدد و حروف شامل تصویر هم باشد.

تفاوت نام دامنه با نام تجاری
۱۲- اگرچه ممکن است نام تجاری تاجر با نام دامنه او یکسان باشد ولی آن‌ها دو مفهوم متفاوت هستند به ویژه اینکه نام دامنه صرفاً اختصاص به فضای اینترنت دارد.

۱۳- برای بررسی مالکیت دامنه و تاریخ انقضای مدت آن، می توان نام دامنه را در سایت www.whois.net جستجو نمود (سایت knowme.com نیز در این رابطه، قابل استفاده

نحوه بررسی مالکیت دامنه و مدت اعتبار آن
است)؛ حداکثر مدت اعتبار دامنه با پسوند ir ۵ سال است؛ در صورت عدم تمدید، مهلت ارفاقی ۶۰ روز وجود دارد؛ در صورت انقضای مهلت اخیر، دامنه آزاد شده و هر شخصی می تواند آن را ثبت کند؛ مدت اعتبار و تمدید دامنه‌های با پسوند com بستگی به نهاد ثبت کننده دارد و مدت اعتبار بین ۱ تا ۲۰ سال و مهلت ارفاقی بین ۵۰ تا ۱۰۰ روز متغیر است.

۱۴- اصولاً علاوه بر اهمیت ثبت نام دامنه به نام ما، آدرس ایمیلی که برای مکاتبه با مرجع ثبت نام دامنه (www.nic.ir) اعلام شده نیز اهمیت زیادی دارد زیرا برای نقل و انتقال مالکیت دامنه با همان آدرس ایمیل مکاتبه خواهد شد؛ بنابراین باید علاوه بر ثبت دامنه به نام ما، مطمئن شویم که آدرس ایمیل وارد شده نیز متعلق به ما می باشد زیرا هر گونه پیام ارسالی از ایمیل معین شده اصولاً به مالک دامنه منتسب خواهد شد؛ همین موضوع در سایر صفحات شبکه‌های مجازی هم صادق است؛ بنابراین صرف اینکه نام کاربری و رمز صفحه مجازی یا رایانامه (ایمیل) در اختیار شما قرار دارد کافی نیست زیرا اشخاص می توانند با اعلام فراموشی رمز به پشتیبان سایت یا ایمیل، تقاضای ارسال رمز مجدد به ایمیل یا شماره تلفن تعریف شده در سیستم را نموده و کنترل آن صفحه یا ایمیل را از دست ما خارج نمایند.

۱۵- در صورت فوت مالک دامنه، حقوق راجع به آن، به ورثه وی خواهد رسید؛ منتها در دامنه‌های با پسوند com عملاً کنترل دامنه و سایت در اختیار شخصی است که رمز "هاست" را داشته و آدرس ایمیل او برای مکاتبه اعلام شده است و وی می تواند مالکیت دامنه را جا به جا

حقوق راجع به نام دامنه پس از فوت

کند؛ به ویژه اینکه به فرض تخلف، پیگیری آن کار ساده‌ای نیست؛ برخلاف دامنه‌های با پسوند ir که مدعی مالکیت می‌تواند از طریق ایرنیک یا سایر مراجع صالح در ایران موضوع را پیگیری نماید؛ با وجود این، صاحب دامنه‌ای که می‌خواهد پس از فوت، دامنه را به دیگری منتقل کند راحت‌ترین راه این است که رمزهای ورود را در اختیار وی قرار دهد؛ حتی در دامنه‌های با پسوند ir هم داشتن رمز ورود و تصویر کارت ملی انتقال دهنده کافی است؛ البته برای اینکه بعداً به لحاظ حقوقی مشکلی پیش نیاید، انتقال گیرنده می‌تواند نوشته‌ای مبنی بر انتقال کلیه حقوق انتقال دهنده راجع به نام دامنه و هاست و پنل از وی دریافت کند.

۱۶- برای راه‌اندازی کسب‌وکار مجازی باید بر اساس ماده ۸۷ قانون نظام صنفی با مراجعه به سایت www.G4b.ir و سپس www.Iraniansnaf.ir از اتحادیه کسب‌وکارهای مجازی، مجوز قانونی دریافت نمود؛ گفتنی است اگر شخصی دارای یک کسب‌وکار سنتی است و از صنف یا اتحادیه مربوطه مجوز دارد، صرف راه‌اندازی سایت و معرفی خود از طریق آن، نیازی به اخذ مجوز جداگانه اصولاً ندارد؛ اما اگر سایت به عنوان درگاهی جهت عرضه محصول یا خدمات و دریافت وجه استفاده می‌شود، باید از مرکز توسعه تجارت، ای نماد (e-namad) دریافت شود؛ به‌طور کلی برای اطلاع از اینکه راه‌اندازی کسب‌وکار به چه مجوزاتی نیاز دارد و فرایند اخذ آن چگونه است، می‌توان به سایت www.G4b.ir مراجعه نمود.

۱۷- ثبت سایت (تارنما) فعلاً در پایگاه ساماندهی وزارت ارشاد اجباری نیست و اصولاً هیچ سایتی به دلیل عدم ثبت در این پایگاه فیلتر نمی‌شود ولی ثبت سایت در این پایگاه دو مزیت دارد، اول اینکه با وارد کردن اطلاعات هویتی و تماس در این پایگاه، پیش از فیلتر شدن، مطابق تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای، ابتدا به مسئول آن سایت اخطار و تذکری مبنی بر حذف

مجوزهای
لازم کسب و
کار

پایگاه
ساماندهی

۱ - شایان ذکر است دیوان عدالت اداری شکایت مبنی بر غیر قانونی بودن الزام کسب و کارها به دریافت ای‌نماد را رد نموده و مبانی قانونی ای‌نماد را تأیید نموده است

چرا باید در دوره جامع پرورش "مشاور حقوقی" آموزشگاه دادبانان دانا شرکت کنیم؟

الف) هدف از برگزاری دوره مشاور حقوقی

هدف اصلی از برگزاری دوره جامع پرورش مشاور حقوقی توسط آموزشگاه دادبانان دانا، پر کردن خلأهای نظام آموزش دانشگاهی است تا شرکت کنندگان در دوره مشاور حقوقی، بتوانند "مهارت‌های لازم جهت عهده دار شدن حرفه مشاور حقوقی" را کسب نمایند؛

ب) ویژگی‌های دوره مشاور حقوقی

۱. **عناوین درسی** انتخاب شده کاملاً کاربردی و مورد نیاز هر مشاور حقوقی است که در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی فعالیت می‌نماید که این عناوین دقیقاً با سرفصل‌های کتاب آنچه مشاور حقوقی باید بداند منطبق است؛ البته لازم به ذکر است، مباحثی که اساتید محترم دوره، تدریس می‌کنند محدود به مطالب کتاب نبوده و مطالعه کتاب در کنار شرکت در دوره آموزشی مکمل یکدیگر می‌باشند.

۲. **کاربردی بودن محتوا** و استفاده حداکثری از زمان جهت انتقال موضوعات مبتلابه از ویژگی‌های دیگر دوره مشاور حقوقی دادبانان است؛ به عنوان مثال، یکی از نیازهای مهم مشاوران حقوقی، آشنایی و تسلط بر قوانین و مقررات پرکاربرد است؛ گاهی قانون مشتمل بر سیصد ماده است ولی فقط پنج ماده آن در عمل، کاربرد فراوان دارد و تسلط بر همان تعداد ماده قانونی اندک به منزله تسلط بر هشتاد درصد آن قانون است؛ یکی از ویژگی‌های دوره پرورش مشاور حقوقی آشنا کردن مخاطبان با مواد قانونی پرکاربرد و تحلیل و بررسی کارکرد آن‌ها است؛ علاوه بر این، یکی از خلاءهای نظام آموزشی دانشگاهی، عدم توجه به مقررات در کنار قوانین است؛ به عبارت دیگر در نظام آموزشی دانشگاه معمولاً قوانین بررسی می‌گردند ولی به مقررات که توسط مقامات اجرایی وضع می‌گردند توجه چندانی نمی‌گردد در حالی که مقررات به لحاظ عملی اهمیت زیادی داشته و معمولاً ملاک عمل مجریان قرار می‌گیرد؛ به عنوان مثال در حوزه مالیات یا تامین اجتماعی یا حقوق کار، بسیاری از موضوعات در عمل، تابع بخشنامه هستند؛ یکی از ویژگی‌های دوره مشاوره حقوقی، آشنا کردن مخاطبان با مقررات کاربردی در کنار قوانین است؛ توجه به آرای مراجع قضایی و شبه قضایی و بیان مثال‌های کاربردی نیز به غنای محتوای دوره مشاور حقوقی دادبانان کمک شایانی نموده است.

۳. اساتیدی که برای تدریس هر عنوان درسی انتخاب شده اند جزو بهترین مدرسین حقوق کاربردی کشور بوده و اساتید برگزیده، مباحث اخیر را به صورت کاربردی و همراه با تجربیات عملی و پرونده‌های مطروحه در دادگاه‌ها و مراجع حل اختلاف آموزش می‌دهند؛

۴. وجود کتاب آنچه مشاور حقوقی باید بداند به عنوان منبع آموزشی دوره، این امکان را به علاقه‌مندان پیشرفت در حوزه مشاور حقوقی می‌دهد تا پیش از برگزاری کارگاه‌های آموزشی، مهمترین مباحث کلاس را پیش مطالعه نموده و با آمادگی بهتری در کارگاه جامع پرورش مشاور حقوقی شرکت نمایند.

۵. تاکنون به تمام دانشپذیران شرکت کننده در دوره جامع پرورش مشاور حقوقی، مدرک معتبر و قابل ترجمه از دانشگاه تهران اعطا شده است که می‌تواند در تقویت رزومه دانشپذیران و جذب به عنوان مشاور حقوقی در شرکت‌های متقاضی نقش به‌سزایی داشته باشد.

۶. دانشپذیران برتر دوره مشاور حقوقی، به شرکت‌های متقاضی معرفی می‌گردند تا به عنوان مشاور حقوقی در شرکت‌های مذکور جذب و مشغول به کار شوند.

۱	اصول قرارداد نویسی
۲	حقوق شرکت های تجاری
۳	حقوق مالیاتی
۴	حقوق اسناد تجاری
۵	حقوق کار
۶	حقوق بیمه تأمین اجتماعی
۷	حقوق مالکیت فکری و تجارت الکترونیکی
۸	دادرسی مالیاتی، بیمه و کار
۹	دادخواست نویسی
۱۰	لایحه نویسی و فن دفاع
۱۱	داوری
۱۲	وکالت حرفه ای در دعاوی دیوان عدالت اداری
۱۳	پرونده خوانی
۱۴	قراردادهای مشارکت در ساخت
۱۵	قراردادهای اجاره املاک تجاری
۱۶	قراردادهای پیمانکاری
۱۷	قراردادهای بین المللی
۱۸	دعاوی پر کاربرد قراردادی در روبه قضایی
۱۹	حقوق بانکی و بخشنامه های پر کاربرد
۲۰	حقوق گمرکی

اطلاعات تماس موسسه حقوقی دادبانان

وب سایت: www.dadbanan.com	دپارتمان آموزش و ثبت نام: ۰۲۱-۲۲۵۸۵۵۵۰
تلگرام: dadbananalawfirm	دپارتمان مشاوره حقوقی: ۰۲۱-۲۲۵۸۰۱۳۷
اینستاگرام: @dadbanan / @dadbananpub	دپارتمان انتشارات: ۰۲۱-۲۲۵۸۴۹۰۰

انتشارات دادبانان دانا

تقریباً پنج هزار سال، تاریخچه ای است که کارشناسان برای قدمت کتاب برشمرده اند. در این مدت طولانی، از نخستین کتاب‌ها که به صورت لوح‌های گلی بودند تا سال ۱۴۳۹ که یوهانس گوتنبرگ با اختراع نخستین ماشین چاپ تحول بزرگی در صنعت نشر کتاب ایجاد کرد؛ چه از زمانی که داستان سینوچه بر پاپیروس نقش بست، تا به امروز که کتاب‌ها به صورت صوتی تهیه و در اختیار مردم دنیا قرار گرفته است، **نقطه اشتراک در تمام این سال‌های طولانی، نیاز انسان به یادگیری و انتقال درک و تجربیات خود از جهان می باشد.**

در دنیای کنونی، سهولت دسترسی به عناوین متعدد کتب در کنار مزیت‌های خود، برای آن بخش از علاقه‌مندان بالاخص در موضوعات تخصصی، خود عامل سردرگمی گشته است؛ از این جهت بارها اساتید مجموعه دادبانان در برخورد با وکلا و فارغ‌التحصیلان رشته حقوق با این پرسش مواجه شده‌اند که برای کسب دانش بیشتر در مورد موضوعات خاص و در میان انبوهی از کتب منتشر شده کدام کتاب را به‌عنوان منبعی کامل‌تر و کاربردی‌تر معرفی می‌کنند؛ این پرسش نه تنها توسط حقوق‌خوانان، بلکه توسط افرادی که به واسطه شغل خود نیاز به داشتن اطلاعات حقوقی در زمینه کاری خود داشته‌اند نیز مطرح گشته است.

از این رو مجموعه دادبانان که رویکرد خود را با این ایده مهم اما ساده شکل داده بود که **"فارغ‌التحصیلان رشته حقوق برای ورود به بازار کار به چه مهارت‌هایی نیاز دارند؟!"** بر آن شد ضمن برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی مهارت محور، توسط واحد انتشارات موسسه و با همکاری اساتید مجربی که سال‌ها مشاوران حقوقی کسب و کارهای مختلف بوده‌اند، با جمع‌آوری و چاپ آن تجربیات ارزشمند به نیاز علاقه‌مندان به داشتن منابعی کاربردی پاسخ دهد.

انتشارات دادبانان دانا در رویکرد جدید خود بنا دارد ضمن معرفی کتب اساتید مجموعه، با معرفی سایر کتب مفید و کاربردی از میان عناوین متعدد، راهگشای وکلا، فارغ‌التحصیلان، کارآموزان و سایر علاقه‌مندان به رشته حقوق جهت انتخاب کتب ارزشمند و کاربردی گردد.



گزیده متون حقوقی



شرح جامع قانون مدنی



در سنامه جامع حقوق تجارت



قراردادهای بیمه‌نگاری



آنچه مشاور حقوقی باید بداند



چک؛ نکات کاربردی از صدور تا پرداخت



فرهنگ واژگان



حقوق قراردادهای بیمه‌نگاری



مختصر جرم‌شناسی